

تجربه‌های زیسته و ادراک‌شده‌ی دانشجویان

مطالعه موردی یک دانشگاه ایرانی^۱

مقصود فراستخواه^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۳/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۵/۲۵

چکیده

در چند دهه‌ی اخیر ایدئولوژی بازار باکلان روندهایی مثل کالایی شدن، تجاری‌سازی و کارافرینی بر آموزش عالی سایه‌انداز شده است و رسالت‌های انتقادی دانشگاه‌ها را به حاشیه می‌راند. دانشجویان تا حد یک مشتری تقلیل می‌یابند. مدتی است که تصویر دانشجویان از دانشگاه نیز تحت تأثیر این قضایا قرار می‌گیرد. تحقیق حاضر باهدف بررسی ادراک زیسته شده و تجربه‌شده‌ی دانشجویان از یک دانشگاه باسابقه، بزرگ و دولتی در تهران و به روش کیفی صورت پذیرفته است. پدیدارشناسی کمک می‌کند با معانی موجود در ذهن دانشجویان از بودن خودشان در دانشگاه تماس نزدیک‌تری داشته باشیم. با تعداد ۲۵ دانشجوی به‌صورت هدفمند و در حد اشباع داده‌ها مصاحبه عمیق اکتشافی انجام گرفت. مقولات به روش «تحلیل مضمون» با اقتباس از استرابت و کارپنتر استخراج شد. حدود ۷۰ درصد اظهارات، تجربه منفی مشارکت‌کنندگان تحقیق از دانشگاه را بازتاب می‌دهد. نتیجه تحقیق، توصیفی سیستماتیک از ادراک زیسته شده‌ی دانشجویان درباره‌ی دانشگاه ایرانی است و نشان می‌دهد تصویر اجتماعی دانشگاه در دل و دیده‌ی دانشجویان مخدوش و مناقشه آمیز شده است. دانشجویان مشارکت‌کننده در تحقیق به دانشگاه آمده‌اند اما نه فقط با اذهان بلکه با بدن‌ها و انواع نیازها و

^۱ مقاله حاضر نتیجه طرح پژوهشی دکتر مقصود فراستخواه با عنوان؛ فهم معنای پدیدار شناختی کیفیت دانشگاه ایرانی در ذهن دانشجویان.

^۲ دانشیار مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

احساس‌ها و شور و شوق زندگی و بازی و شادی و هویت و مشارکت و تشکیل اجتماعات و سایر آمال و آرزوهایشان. دانشگاه را نه صرفاً برای تحصیل بلکه به‌مثابه یک کلوپ اجتماعی نیز می‌خواهند. این انتظاری است که گویا کمتر برآورده می‌شود. انواع گرفتاری‌های مدیریتی و مالی و سیاسی مانع از این می‌شود که دانشگاه ایرانی مورد مطالعه ما در پرورش دانشجویان توفیق لازم به دست بیاورد. حس تبعیض در این مطالعه به‌وضوح در دانشجویان دیده می‌شود. به نظر می‌رسد فرهنگ شفاهی و چهره به چهره و عاطفی برای دانشجوی ایرانی همچنان مهم است. فضای دانشجویی ایران برحسب نتایج این مورد کاوی، در حال عبور از دوره‌ی نخبه‌گرایی آکادمیک و حس استاد و شاگردی به معنای سنتی کلمه است. مقررات خشک حداکثری و روال‌های بوروکراتیک دانشگاه در ادراک زیسته دانشجویان، بازتاب بسیار ناراحت‌کننده داشته است. مشارکت‌کنندگان در تحقیق از بیشتر درس‌های عمومی زده شده‌اند.

کلیدواژه‌ها:

معنای دانشگاه، ادراک دانشجو، تجربه‌ی زیسته، پدیدارشناسی، مدلی برای تبیین، ابزار پیمایش

مقدمه

روندهایی در طی چند دهه‌ی گذشته در آموزش عالی و کاروبار دانشگاه‌ها جریان داشت. یکی از این روندها انبوه شدن آموزش عالی بود که در مقایسه با آموزش عالی نخبه پرور قبلی، چرخش مهمی به شمار می‌آمد. جمعیت دانشجویی و تعداد و تنوع مؤسسات آموزش عالی روز به روز بیشتر می‌شد. همچنین محدودیت‌های منابع عمومی و دولتی سبب می‌گشت و سوسه‌ی کسب درآمد و نوعی قواعد بنگاه‌داری در مدیریت‌های دانشگاه فراگیر بشود. ایدئولوژی بازار و نیز رویکردهایی همچون عمل‌گرایی و منفعت‌گرایی در چنین شرایطی میدان می‌یافتند. کالایی شدن آموزش عالی و تجاری‌سازی و کارافرینی ازجمله‌ی گرایش‌های مطرح در طی این کلان‌روندها بود. در چنین شرایطی تولید و فروش دانش و فناوری چنان اهمیتی به خود می‌گرفت که چه‌بسا گاهی رسالت‌های آموزشی دانشگاه‌ها در حاشیه قرار می‌گرفت. دانشجو نیز یکی از مشتریان به‌حساب می‌آمد. این روندها هرچند اختصاص به ایران ندارند و عالم‌گیر هستند اما به نظر می‌رسد در ایران طی یکی دو دهه‌ی اخیر با ابعاد بغرنج‌تر و به شکل احیاناً متبدل‌تری ظاهر می‌شوند. درنتیجه رفته‌رفته شاهد به محاق رفتن درک یوتوپیک دانشجویان از تحصیلات دانشگاهی هستیم. آیا آن‌ها همان درک را از آمدن به دانشگاه و درس خواندن دارند که ما در نسل‌های قبل دانشجویی داشتیم؟ رفتار تحصیلی و نتایجی که دانشجویان از بودن دانشگاه به دست خواهد آوردند و آن را به جامعه خواهند برد همه شدت تحت تأثیر تصویری است که آن‌ها از دانشگاه دارند.

تحقیق حاضر باهدف بررسی ادراک زیسته شده و تجربه‌شده‌ی دانشجو از یک دانشگاه باسابقه، بزرگ و دولتی در تهران با و به روش کیفی انجام گرفته است. بر پایه حساسیت‌های نظری برآمده از متون و منابع درباره‌ی عملکرد دانشگاه (یمنی، ۱۳۸۰، فراستخواه، ۱۳۸۷، بیرن باوم، ترجمه ۱۳۸۲) با چارچوب نمونه هدفمندی از دانشجویان مصاحبه عمیق اکتشافی صورت گرفته است. سرمشق تحقیق از نوع پدیدار شناسی انتخاب شده است (Langdridge, 2007؛ Streubert and Carpenter, 2011؛ Aspers, 2009).

پیشینه تحقیقات و پس‌زمینه‌ی نظری تحقیق

چرا توجه پدیدار شناختی به ادراک دانشجو مهم است؟ عنصر اصلی تأکید در پدیدارشناسی از آدموند هوسرل تا مرلوپونتی و ماکس شلر بر نزدیک شدن به خود امور و دعوت به‌سوی خود اشیا و به‌سوی خود آدم‌ها و به خود جهان است (هوسرل، ترجمه ۱۳۷۳؛ دارتیگ،

ترجمه ۱۳۷۲). برای این کار لازم است احکام ذهنی خود را تا می‌توانیم به تعویق اندازیم و با معانی موجود در ذهن مردمان تماس نزدیک‌تری داشته باشیم. این سنت فکری به علوم اجتماعی کمک کرده است تا به معانی که مردمان از جهان زندگی خویش می‌سازند تأکید بشود. نمونه‌اش را به شکل‌های مختلف در وبر، آلفرد شوٲس^۱ و لوکمان و برگر می‌بینیم (لوگمان و برگر، ترجمه ۱۳۷۵). هابرماس در برابر سیستم به «زیست جهان» توجه می‌دهد (هابرماس، ترجمه ۱۳۸۴). براین مبناست که نیاز به مطالعه معانی دانشگاه در ادراک زیسته دانشجو داریم. برخی تحقیقات در این زمینه بر تصویری از دانشگاه که دانشجو به دست می‌آورد^۲ متمرکز شده‌اند. برخی دیگر تحت عنوان ادراک دانشجو^۳، این موضوع را دنبال کرده‌اند و بعضی نیز تأکید بر تجربه‌ی زیسته دانشجو از دانشگاه داشتند. از باسابقه‌ترین تحقیقات بر روی تصویر دانشجویان از دانشگاه، تحقیق «موری» است. پژوهش او نشان داد که این تصویر ذهنی بر روی انتخاب‌ها و عملکرد دانشجویان اثر می‌گذارد و حسب سال‌ها و رشته‌های دانشجویان تفاوت‌هایی دارد (Morey, 1971). آرپان و همکاران دریافتند که مهم‌ترین چیزهایی که تصویر دانشگاه را در ذهن دانشجو تداعی می‌کند تداعی‌های حاصل از عملکرد علمی، ابعاد ورزشی و انعکاس خبری دانشگاه است (Arpan, et al, 2003: 97-113). ادراک دانشجویان آمریکایی و چینی از آموزش عالی مقایسه شده است (Xu, 2011: 1-10). تحقیق لیزبو، ویلسون و سایمونز حاکی از آن بود که ادراک دانشجو هردوی ابعاد سخت و نرم کیفیت دانشگاه یعنی سخت مثل عملکرد آموزشی و پژوهشی و نرم مثل رضایت را پیش‌بینی بکند (Lizzio, Wilson & Simons, 2002: 27-52). تحقیق پایان‌نامه در دانشگاه اومئو سوئد در سال تحصیلی ۲۰۱۰-۲۰۱۱ با موضوع ادراک دانشجو و تغییرات آموزشی به این نتیجه رسید که مهم‌ترین مؤلفه‌های این ادراک، درک آن‌ها از تعلیم و تربیت، مسئولیت، مشارکت و رضایت است (Furberg, 2011). بررسی دیگری نشان داد که ادراک دانشجو از فلسفه و نحوه و معنای ارزیابی و امتحان در دانشگاه بر رفتار تحصیلی آن‌ها تأثیر می‌نهد (Struyven, Dochy and Janssens, 2005: 331-347). رامزدن در کتاب خود با عنوان «آموختن اینکه چگونه در آموزش عالی یاد بدهیم» می‌گوید: «تا تجربه‌ی

¹ A. Schutz

² Image of university by student

³ Student perception of university

تحصیلی دانشجویان خود را ادراک نکنید معلم خوبی نمی‌شوید»^۱ (Ramsden, 2004: xii). در تحقیقات به دلایلی که دانشجویان در ذهن برای رفتارهای خوددارند توجه شده است. (Annamalai & Muniandy, 2013)

در ایران تحقیقی با عنوان بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان تولید و مصرف نوشتار در بین دانشجویان انجام گرفته است (محمدی، ۱۳۹۳).

طی مطالعه‌ای درباره‌ی دانشگاه فردوسی مشهد (سروش، ۱۳۹۳) به‌دست‌آمده است که دانشجو باعلاقه به تحصیل و امید به آینده‌ای بهتر به‌علاوه‌ی حسب عوامل خانوادگی و اقتصادی رهسپار دانشگاه می‌شود. کیفیت زندگی تحصیلی دانشجویان خارجی دانشگاه شهید بهشتی که در سال ۹۲-۹۱ جمعاً ۱۱۶ نفر بودند بررسی شده است. نتیجه این بود که کیفیت زندگی مطلوبی ندارند (شمس و معارف وند، ۱۳۹۳). فراستخواه (۱۳۹۲) هشت دوره‌ی زندگی دانشجویی در ایران را بررسی کرده است. کانون توجه این بررسی، آن بود که در هر دوره، کدام قشر به دانشگاه دسترسی داشت؟ پارادایم غالب بر حیات دانشجویی چه بود؟ آن‌ها چه نوع یوتوپیهایی داشتند؟ چه مفاهیمی بر زندگی دانشجویی نفوذ داشت؟ مسئله‌ها چه بودند؟ هویت‌های مطرح کدام بودند؟ والگوهای «خود بیانگری» دانشجویان چگونه بود؟

یافته‌ها

بر مبنای حساسیت نظری به‌دست‌آمده از مرور متون و منابع و پس‌زمینه‌ی نظری (یمنی، ۱۳۸۰، فراستخواه، ۱۳۸۷، بیرن باوم، ترجمه ۱۳۸۲)، محقق به بررسی پدیدار شناختی موضوع تحقیق خود مبادرت کرده است. با تعداد ۲۵ دانشجو مصاحبه عمیق اکتشافی انجام گرفت. چارچوب نمونه به‌صورت هدفمند از کسانی انتخاب شد که اطمینان حاصل کنیم هیچ‌گونه ملاحظات و محدودیت‌هایی برای مصاحبه نداشته باشند، با اعتماد کافی علاقه مندانه در این تحقیق شرکت کنند و تجارب و ادراکات خود را راحت و صمیمانه و بدون خودسانسوری یا نقش بازی در میان بگذارند. شرکت و همکاری یکی از دانشجویان نویسنده در بخش اجرای مصاحبه‌های تحقیق به فضای دوستانه و خودمانی مصاحبه‌ها کمک بسزایی کرد. هدف از تحقیق و به دور بودن و برکنار بودن آن از هر نوع جانب‌داری یا سوگیری آگاهانه و سیستماتیک درباره‌ی دانشگاه خاص یا ارزش داورهای پیشین خاص درباره‌ی دانشگاه و

^۱ to become a good teacher, first you must understand your students' experiences of learning

آموزش عالی با مصاحبه‌شوندگان در میان گذاشته شده است. کوشش زیادی مصروف ایجاد فضایی شده است که قصد ما فهم پدیدارشناسانه از درک زیسته شده و تجربه‌شده‌ی دانشجویان درباره‌ی دانشگاه ایرانی است و دانشگاه آن‌ها تنها به‌عنوان یک مورد مطالعه انتخاب شده است. به مشارکت‌کنندگان در تحقیق توضیح کافی داده شد و توجیه لازم انجام شد که تعهدات اخلاقی تحقیق حاضر اکیداً براین قرار گرفته است تا اطلاعات و شواهد به‌دست‌آمده و متن تحریر شده‌ی مصاحبه‌ها صرفاً مورد استنباط و تجزیه و تحلیل علمی واقع خواهد شد و هدف به‌روشنی گسترش و تعمیق شناخت علمی در حیطه مطالعات تخصصی آموزش عالی ایران است و در این تحقیق بخصوص تمرکز و تأکید بر درک دانشجویان درباره‌ی دانشگاه ایرانی است. طرح این شرایط و توضیحات با دانشجویان به‌طور کامل طی می‌شد و در صورتی که کوچک‌ترین تردیدی احساس می‌شد، بی‌درنگ فرد موردنظر از هدف مطالعه کنار گذاشته می‌شد و سراغ فرد دیگری گرفته می‌شد. بدین ترتیب نمونه هدفمندی با رعایت تنوع حوزه‌های رشته‌ای، دوره‌های تحصیلی، جنس، بومی و غیربومی بودن، اقامت یا عدم اقامت در خوابگاه و سایر مشخصات ظاهری مربوط به قشربندی اجتماعی، سبک زندگی و تیپ مذهبی یا غیرمذهبی و مانند آن برای انجام مصاحبه نهایی می‌شد. با تعداد ۲۵ نفر چارچوب نمونه بر مبنای اشباع داده‌ها مصاحبه شد. در جریان مصاحبه‌های ۱۶ به بعد پاسخ‌های دانشجویان تکراری می‌نمود و موضوع تازه و ناگفته یا ناآشنایی از آن برنمی‌آمد. با رعایت احتیاط‌های لازم تا ۲۵ مصاحبه ادامه داده شد (جدول ۱).

جدول ۱. جدول فهرست مصاحبه‌ها و تعداد گزاره‌های به‌دست‌آمده از آن‌ها

ردیف	حوزه رشته‌ای	دوره	جنس	تعداد گزاره‌ها	تجربه زیسته و ادراک شده	
					مثبت	منفی
۱	حقوق	فوق لیسانس	پسر	۲۰	۵	۱۵
۲	حقوق	لیسانس	پسر	۲۰	۳	۱۷
۳	علوم تربیتی	فوق لیسانس	پسر	۱۴	۷	۶
۴	علوم تربیتی	دکتری	پسر	۱۹	۳	۱۳
۵	علوم زیستی	فوق لیسانس	پسر	۲۳	۴	۱۹
۶	علوم زیستی	فوق لیسانس	پسر	۱۹	۲	۱۷
۷	علوم ریاضی	فوق لیسانس	دختر	۱۰	۱	۹

۸	علوم کامپیوتر	فوق لیسانس	دختر	۱۳	۴	۹
۹	ادبیات و علوم انسانی	فوق لیسانس	دختر	۱۳	۴	۹
۱۰	علوم محیطی	فوق لیسانس	دختر	۱۲	۱	۱۱
۱۱	علوم محیطی	فوق لیسانس	دختر	۱۵	۶	۸
۱۲	علوم ریاضی	فوق لیسانس	دختر	۱۴	۶	۸
۱۳	شیمی	لیسانس	دختر	۱۲	۱۰	۲
۱۴	شیمی	دکتری	دختر	۱۵	۰	۱۴
۱۵	معماری و شهرسازی	فوق لیسانس	دختر	۱۵	۶	۹
۱۶	تربیت بدنی	لیسانس	پسر	۱۶	۱۲	۴
				۲۵۰	۷۸ (۳۱ درصد)	۱۷۲ (۶۹ درصد)
۱۷	علوم زمین	لیسانس	دختر	اشباع داده‌ها		
۱۸	مدیریت و حسابداری	لیسانس	دختر			
۱۹	ادبیات و علوم انسانی	لیسانس	پسر			
۲۰	علوم اقتصادی و علوم سیاسی	فوق لیسانس	پسر (تاجیکستان)			
۲۱	علوم ریاضی	فوق لیسانس	پسر			
۲۲	علوم اقتصاد و علوم سیاسی	فوق لیسانس	پسر			
۲۳	حقوق	فوق لیسانس	پسر (سوریه)			
۲۴	علوم زیستی	فوق لیسانس	دختر			
۲۵	مدیریت و حسابداری	فوق لیسانس	پسر			

پس از انجام مصاحبه‌های عمیق و فعال و اکتشافی، متن آن‌ها تحریر و مهم‌ترین گزاره‌ها با روش «تحلیل مضمون» استخراج می‌شد. ابزار تحلیل مضمون با اقتباس از استرابرت وکارپتر (Streubert, & Carpenter, 2011) انتخاب شده بود و از طریق آن کار کدگذاری و مقوله‌ای کردن صورت گرفت. همان‌طور که در جدول‌های بعدی ملاحظه می‌شود ابتدا اصلی‌ترین گزاره‌های هر یک از مصاحبه‌ها با رویکرد پدیدار شناختی فراهم آمده از جریان مصاحبه حضوری مبنای تحلیل بعدی قرار گرفت (ستون اول جدول). قبل از هر چیز ارتباط

هر گزاره با سؤالات تحقیق در مدنظر واقع شد (ستون دوم). مضمون/های موجود در دل هر گزاره در ستون سوم و مقوله‌های استنباط شده در باب وجوه پدیدار شناختی دانشگاه برمبنای ادراک زیسته دانشجو در ستون آخر درج شد. در جدول «۲» تحلیل مضمون یکی از مصاحبه‌ها نشان داده شده است:

جدول ۲. تحلیل مضمون مصاحبه

۱. «م.م» مرد، فوق لیسانس، حقوق، غیربومی و ساکن خوابگاه			
گزاره‌های مصاحبه‌ها	ارتباط با سؤالات و سازندهای دوازده‌گانه در طرح تحقیق	مضمون/ها	مقوله‌های استنباط شده در باب وجوه پدیدار شناختی کیفیت دانشگاه در ادراک زیسته دانشجو
۱. البته شاید به یک‌جهت این حُسن دانشگاه ماست که کمتر سیاسی است	۳	فرهنگ دانشگاهی و سیاست	دانشگاهی که سیاست زده نیست
۲. بچه‌های حقوق دانشگاه می‌نازند که ما بهترین‌های حقوق در کشور هستیم	۱۱	فرهنگ رشته‌های دانشجویان	رقابت گرایی احساس سرآمدی در بین دانشگاه‌ها
۳. باندهایی و این مسائل هست	۳ و ۶	فرهنگ‌سازمانی اخلاق حرفه‌ای در دانشگاه	جرگه گرایی
۴. گاهی می‌بینیم کسانی در رأس مدیریت‌های دانشگاهی قرار می‌گیرند که به‌جای برقراری ارتباط با دانشجو و حل مشکلات دانشجو، بیشتر در بده بستان با گروه‌های فشار و ذی‌نفوذ هست	۲	ارتباط با دانشجو و حل مشکلات او	بده بستان مدیران با گروه‌های فشار و ذی‌نفوذ

۵. دانشگاه ما از قدیم‌الایام معروف به دانشگاه بیچه پولدارها و قشرهای خاص بود. در این دانشگاه دانشجویانی هستند که معمولاً بین دانشگاه‌های دولتی وضع مالی خانواده هاشون بهترهست. مابقی هم بقیه اهل جنب‌وجوش نیستند	۱۰	تک‌بعدی شدن گذراندن واحدها و درس خواندن قشربندی دانشجویی	فقدان جنب‌وجوش در زندگی دانشجویی
۶. استادان تا حدودی به دانشجویانی که در دوره لیسانس نیز در این دانشگاه بودند توجه بیشتر نشان می‌دهند و یک نوع تبعیض به وجود می‌آید	۲	ارتباط استاد با دانشجو	تبعیض و بی‌عدالتی در توجه استادان به دانشجویان
۷. کتابخانه دانشکده با ۲۰ تا ۳۰ نفر پر می‌شود جایی برای مطالعه نیست حتی کتابخانه مرکزی دانشگاه نیز فضای کوچکی دارد. در کتابخانه دانشگاه، من اصلاً پویایی نمی‌بینم	۷	فضای کالبدی کمک‌آموزشی کتابخانه	فقدان پویایی و کیفیت خدمات کتابخانه‌ای و اطلاعات علمی
۸. مجله‌های دانشگاهی ما پیشرفته نیست مجله دانشکده حقوق قابل‌دسترسی اینترنتی نیست	۷	زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات	فقدان سطح پیشرفته‌ای از مجلات علمی خصوصاً به‌صورت قابل‌دسترس به‌صورت بر خط
۹. در دانشگاه‌های ایران چشم‌انداز، برنامه و راهبردی وجود ندارد.	۴	برنامه‌ریزی دانشگاهی	فقدان تفکر برنامه‌ریزی استراتژیک
۱۰. تجربه‌ای که خودم از دو	۳	روزمرگی و عمل	فقدان آینده‌اندیشی و

دانشگاه بزرگ دولتی و باسابقه در تهران داشتن نشون میده این دانشگاه‌ها دست‌وپا برای گذر زمان می‌زنند همین‌که سال بگذرد و تعطیلی فرابرسد بودجه دولتی خود را هزینه بکنند و حداقلی از کارها را به اتمام برسانند	۴	زدگی در مدیریت	پویایی و نوآوری
۱۱. اگر بخوای رئیس دانشگاه را ببینیش باید از درب ۲۰۰ فیلتر عبور کنی تا بررسی	۲	ارتباط دانشجویان با مدیریت	پیچ‌وخم‌های اداری
۱۲. رئیس دانشگاه پشت درب‌های بسته مدیریت می‌کند	۲	سبک‌های رهبری	مدیران پشت درهای بسته
۱۳. برخی از اساتید به‌روز هستند، اساتیدی پیدا می‌شوند که مسائل روز را مطرح می‌کنند	۵	کیفیت کلاس‌های درس	سطح علمی و به‌روز بودن استادان
۱۴. به لحاظ کار تیمی و گروهی به نظرم این دانشگاه خوب هست، بهتر از دانشگاه‌های دیگر است، لااقل نشون میده مدیر گروه به یه چیزایی توجه داره، یه چیزایی را چک کرده است	۱۰	کار تیمی تیم سازی در گروه‌ها	پیشرفت فعالیت‌های تیمی در میان استادان و با دانشجویان
۱۵. سرانه محیط استاندارد محیط خوابگاهی و دانشگاهی خیلی پایین است در این دانشگاه	۸	فضای کالبدی غیر آموزشی	استانداردهای محیط خوابگاهی و دانشگاهی ورزش وزندگی دانشجویی

۱۶. لااقل در دانشکده ما (حقوق) شور و شوق و هیجانی هست، سؤال می‌پرسند از همدیگر. نسبت به سایر دانشگاه‌ها بهتر است	۵	جنب‌وجوش تحصیلی در دانشجویان شور و شوق علمی	زندگی علمی دانشجویی
۱۷. مدیران و رئیس‌هایی در دانشگاه می‌بینیم که نه تنها پاسخگو نیستند، پاسخ هم بلد نیستند بدهند و متأسفانه نمی‌دونم با چه سیستمی وارد شده‌اند	۱ ۲	ارتباطات انسانی گزارش دهی	عدم پاسخگویی مدیریت
۱۸. «به‌هیچ‌وجه دانشگاه ما در زمینه کتابخانه، وایرلس، سایت، اینترنت و... پاسخگوی دانشجو نیست. مثلاً کتابخانه دانشکده حقوق وارد می‌شوی ۲۰ نفر ظرفیت دارد در صورتی‌که هزارتا دانشجو در اینجا هست	۷	زیرساخت‌ها	زیرساخت‌های کالبدی و فنی و فضا و اطلاعات و ارتباطات
۱۹. ای‌کاش دانشجویان بتوانند مشارکت کنند و البته فاقد از هیاهو و دخالت‌های سیاسی	۴ ۵	مشارکت دانشجویان	سبک رهبری مشارکت جویانه بدون سیاست زدگی جنب‌وجوش اجتماعی و فرهنگی و سیاسی دانشجویان
۲۰. از داخل دانشگاه رئیس آن توسط استادان خود دانشگاه انتخاب بشود خیلی بهتره، تا این‌که کسانی رئیس را انتخاب کنند که هیچ شناختی از دانشگاه ندارند	۴	نحوه انتصاب ریاست دانشگاه	انتخابی بودن ریاست دانشگاه از متن دانشگاه

همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد از تحلیل مضمون مصاحبه هفتم تکرار و توالی موضوعات و دیدگاه‌ها و تجربه‌ها کاملاً احراز شد و اشباع داده‌ها روی داد. این درحالی‌که بود تا مصاحبه ۱۶ تعداد ۲۵۰ گزاره مورد تحلیل تماتیک قرار گرفته بود. درمجموع حدود ۳۰ درصد اظهارات حاکی از ادراک تجربه‌شده و زیسته شده‌ی مثبت مشارکت‌کنندگان تحقیق از دانشگاه مورد مطالعه بود درحالی‌که حدود ۷۰ درصد از تجربه‌ها با نوعی ارزیابی منفی و نارضایت‌بخش قرین بودند.

تحلیل مضامین^۱ و یافته‌های مطالعه

درمجموع حدود ۳۰ درصد اظهارات حاکی از ادراک تجربه‌شده و زیسته شده‌ی مثبت مشارکت‌کنندگان تحقیق از دانشگاه مورد مطالعه بود درحالی‌که حدود ۷۰ درصد از تجربه‌ها با نوعی ارزیابی منفی و نارضایت‌بخش قرین بودند. نتایج تحلیل مضمونی تعداد ۱۸ مقوله فرعی و سه مقوله اصلی بود.

الف. مقولات فرعی:

۱. زندگی دانشجویی، رشد و بالندگی

بیشترین توجه دانشجویان مشارکت‌کننده در تحقیق به زندگی دانشجویی خود در دانشگاه معطوف شده است. برای یک دانشجو گویا ملموس‌ترین تجربه زیسته در دانشگاه این است که چقدر بودن در آن دانشگاه برای او دلپذیر هست؟ دانشجو از بدو تصمیم‌گیری برای ورود به دانشگاه آمال و آرزوهایی از یک زندگی دانشجویی در سر دارد. انتظار رفاه و شادی و راحت بودن دارد. انتظار دارد از طریق بودن در دانشگاه دوره‌ی خوشایندی از مهم‌ترین بخش زندگی جوانی خود را تجربه بکند و از رهگذر این تجربه‌ها رشد بکند، انواع نیازهای درونی خود را برآورده بسازد و ابراز هویت بکند. درنتیجه تا از دانشجویان درباره‌ی تجربه زیسته دانشجویی‌شان سؤال می‌شد به کمترین بهانه‌ای گریز به ابعاد مختلف حیات دانشجویی خود می‌زدند. «ع.ت». مرد، لیسانس، حقوق، غیربومی و ساکن خوابگاه از وضع تغذیه گله دارد: «از نظر غذا و تغذیه خیلی خوب نیست، خیلی تحقیرآمیز با آدم رفتار می‌کنند ولی قیمت ماشاءالله هر سال میره بالا». «ا.پ». مرد، فوق‌لیسانس، علوم زیستی، غیربومی و ساکن خوابگاه پیشنهاد می‌کند: «رئیس دانشگاه یک‌بار در ماه به سلف سر نمی‌زند ببیند غذا

^۱ thematic analysis

قابل خوردن هست یا نه». «ع.ر.» مرد، فوق‌لیسانس، علوم زیستی، غیریومی و ساکن خوابگاه می‌گوید: «شادابی و سلامت روانی دانشجویان آن‌چنان‌که باید باشد نیست، ... سالن‌های ورزشی ناچیز است...». وی در ادامه مصاحبه به موضوع عجیبی اشاره می‌کند که شاید بتوان آن را درنهایت شرمساری «بیگاری آکادمیک!» تعبیر کرد: «بیشتر اساتید کارهای خودشان را به دانشجویان واگذار می‌کنند و فرصت‌های دیگر از دانشجو گرفته می‌شود». او با اشاره به تک‌بعدی شدن گذراندن واحدهای درسی در دانشگاه و کمبود شور و شوق فوق‌برنامه‌ای در زندگی دانشجویی، وضعیت این دانشگاه را با برخی مؤسسات آموزش عالی کوچک‌تر مقایسه می‌کند: «در دانشگاه‌های کوچک انجمن‌های علمی وضعیت بهتری دارند». «ا.پ.» مرد، فوق‌لیسانس، علوم زیستی، غیریومی و ساکن خوابگاه نیز توضیح می‌دهد: «در دانشگاه‌های شهرستان دانشجویان رغبت بیشتری دارند، حتی شادابی‌شان نیز بیشتر است. انجمن‌های علمی در اینجا خیلی ضعیف هست، بیشترین جایی که فعالیت می‌کند بسیج هست». «ل.ر.» زن، فوق‌لیسانس، علوم کامپیوتر، غیریومی و ساکن خوابگاه نیز معتقد است: «شورونشاط دانشجویی نسبت به دانشگاه‌های تهران کمتر هست، برنامه‌های جانبی برای خود ندارند، فقط درس» و «دانشجویان اون شورونشاط جوانی را ندارند». این مضمون جزو موارد مکرر در مصاحبه‌ها بود و اطمینان به دست می‌داد که زندگی دانشجویی یکی از ضعیف‌ترین بخش‌های تجربه‌شده دانشجویان در یک دانشگاه باسابقه و بزرگ و جامع واقع در پایتخت ایران است. «پ.م.» زن، فوق‌لیسانس، ادبیات و علوم انسانی، بومی به ما اظهار داشت: «در این دانشگاه، انجمن علمی دانشجویی قوی نیست، کارهای علمی زیادی انجام نمی‌دهند بیشتر نهادها مخصوص مراسم‌های خاص هستند». آن مقدار برنامه‌های کم نیز بیشتر از سوی نهادهای رسمی ترتیب داده می‌شوند و فاقد تنوعات لازم نیز هستند. «پ.م.» زن، لیسانس، علوم زمین، بومی اظهار داشت: «فعالیت‌های فرهنگی داخل دانشگاه فقط بسیج و نهاد رهبری انجام میدن بیشتر این اردوها و بازدیدها سفر زیارتی هست، این خوبه، باید هم باشه ولی آگه هر دانشکده متناسب با هر رشته سفر علمی یا بازدید از موزه یا دانشگاه یا... بذاره خیلی عالی میشه» «م.ن.» زن، لیسانس، مدیریت و حسابداری، بومی نیز همین مضمون را تأکید می‌کند: «در فعالیت‌های فرهنگی بیشتر بسیج و نهاد رهبری فعال هستند تا اینکه انجمن‌های علمی نقش داشته باشند، اونم فعالیت اونها بیشتر به مناسبت‌های خاص هست».

یک نکته اساسی در اینجا آن است که دانشجو در ابتدای ورود خالی از شور و شوق جوانی نیست و رؤیایی دارد اما در طول تحصیل این انرژی‌های پتانسیل رو به ضعف وزوال می‌نهند. «پ.ر.» زن، فوق‌لیسانس، علوم ریاضی، غیربومی و ساکن خوابگاه توضیح می‌دهد که «بچه‌ها اول که وارد دانشگاه می‌شوند شورونشاط خوب دارند اما بعد مدتی اون شور اولیه ندارند، جوّ دانشگاه طوری هست که بچه‌ها نمی‌توانند شاد باشند، دلیلش را نمی‌دو نم اول با انرژی زیاد می‌ایند اما بعد دوماه شورونشاط از بین رفته، شورونشاط اولیه ندارند». علت چیست؟ از یکسو به نقایص موجود در برنامه‌ها و مدیریت دانشگاه و بی‌توجهی به زندگی دانشجویی برمی‌گردد و از سوی دیگر عوامل دیگری دست‌به‌دست هم می‌دهند و شورونشاط از زندگی دانشجویی می‌ستانند. این عوامل از بیرون و درون دانشگاه زیادند اما بیگمان یکی از مهم‌ترین عوامل نگرانی‌های خود دانشجویان درباره‌ی آتیه خودشان است. چنانکه «م.غ.» زن، فوق‌لیسانس، علوم محیطی، غیربومی به ما بیان کرد: «شورونشاط دانشجویان کم هست. همه نگران آینده هستند، بیشتر به لحاظ شغلی».

۲. سبک رهبری و مدیریت

از دیگر موضوعاتی که بیشترین ارجاع را در مصاحبه دانشجویان به خود اختصاص می‌داد و معلوم بود مشارکت‌کنندگان تحقیق، حساسیت زیادی به آن دارند مدیریت روابط انسانی و سبک رهبری در دانشگاه بود. دانشجویان کنجکاو هستند که مدیران تا چه اندازه مردم مدار و خلدوم هستند. «م.م.» مرد، فوق‌لیسانس، حقوق، غیربومی و ساکن خوابگاه می‌گوید: «مدیران و رئیس‌هایی در دانشگاه می‌بینیم که نه تنها پاسخگو نیستند، پاسخ هم بلد نیستند بدهند و متأسفانه نمی‌دونم با چه سیستمی وارد شده‌اند (به این مسند نشسته‌اند)»، «رئیس دانشگاه پشت درهای بسته مدیریت می‌کند». «ع.ت.» مرد، لیسانس، حقوق، غیربومی و ساکن خوابگاه معتقد است: «کارکنان خوب‌اند و ارتباط صمیمانه دارند ولی مدیران با دانشجویان ارتباط ضعیفی دارند» و «مسئولین گوش شنوا ندارند که بخواهند حرف ما را بشنوند و بخواهند پاسخ‌گو باشند، مدیران که هر وقت حضور ندارند می‌گویند جلسه هستند». «ر.ق.» مرد، فوق‌لیسانس، علوم تربیتی، غیربومی و ساکن خوابگاه می‌گوید «مدیران عالی‌رتبه به‌خصوص رئیس دانشگاه را خیلی کم دیدم و زیاد در دسترس و دید دانشجو نیست». «ع.ر.» مرد، فوق‌لیسانس، علوم زیستی، غیربومی و ساکن خوابگاه تأکید دارد که «رئیس دانشگاه اگر هست برای اساتید و دانشجویان هست و باید برای این‌ها وقت معین بکند». «ای‌کاش

ای‌کاش مسئولین ما (رئیس دانشگاه) خیلی بیشتر از این‌ها در جامعه، تو دانشگاه با بدنه اجتماع (دانشجویان) برخورد داشتند، وقتی برخورد داشته باشی با دغدغه مردم متوجه می‌شی، انتقاد می‌شنوی و انتقاد هم باعث پویایی و پیشرفت است»

۳. هیئت علمی

از دیگر موضوعات که ادراک زیسته و تجربه‌شده‌ی دانشجویان مشارکت‌کننده در مطالعه را به خود مصروف می‌دارد هیئت علمی دانشگاه است. همان کسانی که بیشترین مرآه دانشجویان با آن‌هاست. در رده‌هایشان می‌نشینند، به حرفه‌ای دهانشان و بدنشان و حالات و حرکاتشان گوش می‌دهند، سطح علم و طرز تفکر و مراتب رفتار و اخلاقشان را تجربه می‌کنند و احساس‌های خوش و ناخوش از این طریق به آن‌ها دست می‌دهد. چقدر استادان برای دانشجویانشان مهم و معنادارند؟ یا نیستند؟ این‌ها جزو اثرگذارترین آدم‌ها بر دانشجویان هستند و در شکل‌دهی طرح شخصیتی آن‌ها سهم می‌شوند. «پ.ر.» زن، فوق‌لیسانس، علوم ریاضی، غیربومی و ساکن خوابگاه می‌گوید: بعضی از اساتید ما واقعاً سر کلاس هاشون خیلی چیز یاد می‌گیری... و بعضی هم: وقتی می‌خواهی انتخاب استاد راهنما بکنی خیلی از خودشون تعریف می‌کنند اما اصلاً وقت برای دانشجو نمی‌گذارند! مشارکت‌کنندگان در تحقیق حاضر از جمله مشخصه‌های کیفیت هیئت علمی را در کنار سواد و دانش و تخصص و اخلاق و شخصیت، داشتن فرصت برای اقامت در پردیس و در دسترس دانشجو و جوابگویی علمی و آموزشی و پژوهشی به او دانستند و ناراحت بودند از اینکه: «اعضای هیئت علمی، خیلی قابل دسترس نیستند، مشغولیت کاری زیاد باعث میشه خیلی کم باهاشون ارتباط برقرار کنم، مشغله کاری زیاد مثل مشاور سازمان، تدریس و.... باعث میشه کم بهشون دسترسی داشته باشم».

۴. یاددهی و یادگیری

اگر دانشجو به استادان حساس است حق دارد چون یکی از رکن‌ترین کار ویژه‌های دانشگاه جریان یاددهی و یادگیری است که استادان در کیفیت آن مهم‌ترین نقش را بر عهده دارند. کیفیت یاددهی و یادگیری آکادمیک از دیگر پرگفته‌ترین موارد در مصاحبه‌های ما بود. «برخی از اساتید به‌روز هستند»، برعکس و با تأسف «بعضی وقت‌ها اساتیدی هستند که کیفیت ارائه ندارند به‌طوری‌که اگر سر کلاس آن‌ها حضور نداشته باشی و خود شخصاً مطالعه کنی نتیجه بهتر می‌گیری تا اینکه یک ساعت و نیم در کلاس وقت بگذرانی و دوباره

مطالب را مطالعه کنی و این همه فشار روانی برات به وجود بیاد»، «داریم استادی که سطح علمی بالایی داره ولی نمی تونه مطلب را انتقال بده و تو این مورد خیلی ضعیف هست». چشم‌ها به استاد دوخته شده است: «سنت شب امتحان درس خواندن در میان دانشجویان همچنان هست تدبیری از استادان نیست که این سنت از بین برود»، «تو کارشناسی به ما مقاله نوشتن را یاد ندادند و وقتی به استاد می‌گفتیم مقاله بنویسیم همش می‌گفتن زود هست، ولی تو دانشگاه‌های دیگه می‌بینم دانشجویان مقاله می‌نویسند» و متأسفانه: «اساتیدی که تا مدت‌ها قبل طرح درس داشتند الان خود را راحت کرده و فقط با دادن سمینار به دانشجویان ترم را می‌گذرانند. هیچ نظارتی بر کار اساتید وجود ندارد».

۵. سوروسات آکادمیک

ازجمله سایر موضوعات مورد توجه و حساسیت دانشجویان، امکانات کالبدی و کتابخانه‌ای و آزمایشگاه و تجهیزات و اینترنت و مانند آن بود که مجموعه تحت عنوان کیفیت سوروسات آکادمیک مفهوم‌سازی شد و از لوازم عمده‌ی یک دانشگاه خوب در نظر دانشجویست. وقتی در دانشگاهی باز می‌شود ولی امکانات لازم را ندارد نوعی نقض غرض است مثلاً اینکه میهمانی دعوت بکنی و طعامی تدارک نبینی. «م.م. مرد، فوق‌لیسانس، حقوق، غیربومی و ساکن خوابگاه می‌گوید: «کتابخانه دانشکده با ۲۰ تا ۳۰ نفر پر می‌شود جایی برای مطالعه نیست حتی کتابخانه مرکزی دانشگاه نیز فضای کوچکی دارد در کتابخانه من اصلاً پویایی نمی‌بینم» و حق دارد بگوید: «کتابخانه دانشکده با ۲۰ تا ۳۰ نفر پر می‌شود جایی برای مطالعه نیست حتی کتابخانه مرکزی دانشگاه نیز فضای کوچکی دارد در کتابخانه من اصلاً پویایی نمی‌بینم». دیگران نیز می‌گویند: «کتابخانه منابع انگلیسی کم دارد»، «پایان‌نامه‌هایی را که متعلق به خود دانشگاه هست در کتابخانه موجود نیست!»، «برای دانشگاهی که بیش از ده هزار دانشجو داره کتابخانه‌ای تدارک دیده‌اند ظرفیتش کمتر از ۱۰۰ صندلی است»، «آزمایشگاه‌ها اصلاً وسیله‌ای ندارند. به لحاظ اینترنت هم خیلی کمبود هست»، «اینترنت هم فارغ از اینکه حجمش کم هست، قطع و وصلی اینترنت آزاردهنده دارد».

۶. عدالت آکادمیک

اکنون به یکی دیگر از حساس‌ترین نکاتی می‌رسیم که از سوی بخش درخور اعتنایی از مشارکت‌کنندگان تحقیق ما مورد تأکید قرار می‌گرفت. این موضوع از بس تکرار شد که با اطمینان می‌توانیم بگوییم در مرکز تجارب دانشجویی فرزندان ما در دانشگاه‌ها قرار دارد. این

موضوع چیزی نیست جز احساس ناراحت‌کننده‌ی تبعیض. حتی اگر هم واقعاً تبعیضی در کار نباشد، نفس این احساس مکرر که در مصاحبه‌ها به تعابیر مختلف توالی و تعاقب دارد می‌تواند نشانه‌ای باشد که در دانشگاه‌های خود به آن کنجکاو باشیم. نگاه‌های حساس دانشجویان به اعمال و رفتار ما دوخته شده است و می‌خواهند مطمئن بشوند که رفتار ما در تدریس و در ارزشیابی و در توزیع فرصت‌ها و بخت‌های یادگیری عالی و تحصیلات دانشگاهی به صورتی برابر و برکنار از تبعیض است. «استادان تا حدودی به دانشجویانی که در دوره لیسانس نیز در این دانشگاه بودند توجه بیشتر نشان می‌دهند و یک نوع تبعیض به وجود می‌آید»، «تبعیض در دانشگاه توسط اساتید کم‌ویش هست، مثلاً دانشجویانی که برای مصاحبه دکتری از دانشگاه‌های دیگر می‌آیند اساتید دانشجویهای خودشان را بیشتر قبول دارند»، «در رفتار برخی اساتید تبعیض به چشم می‌خورد البته نه همه. بعضاً به آن‌ها که پایان‌نامه دارند، بیشتر توجه می‌کنند»، «گاهی اوقات تبعیض هم قائل می‌شوند، برای نمره دادن به اونهایی که از دانشجویان خودشان باشند یا پایان‌نامه بآنهاشون دارند»، «استادان تبعیض قائل می‌شوند تو نمره دادن، تو راهنمایی کردن دانشجو و.... با همه یک‌جور رفتار نمی‌کنند»، «استاد به دانشجوی همشهری خود بهتر نمره میده».

۷. تسهیلگری

بوروکراسی اداری در دانشگاه و پیچ‌وخم‌های مقررات بدجوری ذهن مشارکت‌کنندگان در تحقیق را به خود مشغول کرده است. دانشجویان مصاحبه‌شونده با استرس زیاد از کاغذبازی یا سیستم بازی در انجام امور اداری خود و ارجاع بی‌مورد و صوری به آیین‌نامه‌ها و مقررات سخن گفتند. در گفتگوی فعالی که با آن‌ها داشتیم به نتیجه رسیدیم که حقیقتاً هیچ‌یک نافی ضوابط و قوانین وهنجارها نبودند و فقط از آزار و اذیت اداری در نحوه انجام امور آموزشی و دانشجویی و دانشگاهی خود و طول زمان رسیدگی و صرف وقت نا لازم گله داشتند. نحوه برخورد مدیران و کارکنان برایشان مهم بود و تجربه‌شان به آن‌ها می‌گفت که آیا بنا بر تسهیلگری بود یا مانع‌تراشی و بهانه‌جویی.

«ع.ت». مرد، لیسانس، حقوق، غیربومی و ساکن خوابگاه می‌گوید: «برای انجام امور اداری روال انجام کارها خیلی کند پیش میره و زمان‌بر هست. یک نوع کاغذبازی وجود داره ... آیین‌نامه‌ها صوری هست. اونجایی که به نفع خودشان باشه اجرا میکنن ولی اونجاهایی که منفعتی نداشته باشه براشون یا اجرا نمیشه». «ر.ق». مرد، فوق لیسانس، علوم تربیتی، غیر

بومی و ساکن خوابگاه نیز برآن است که: «روال انجام امور اداری خیلی زمان‌بر و بوروکراتیک هست، شاید بخوابی یک نامه‌ای از دانشکده از طریق سیستم اتوماسیون بفرستی برای معاونت آموزشی چند روز طول می‌کشد تا بخوابی به کارت برسی». «ع.ر.» مرد، فوق‌لیسانس، علوم زیستی، غیربومی و ساکن خوابگاه، تجربه یأس‌آوری دارد: «انجام امور اداری خیلی زمان‌بر هست و جوابگو هم نیستند. بالاینکه مدارک موردنیاز را هم ارائه می‌دهی ولی پیش میاد که خواسته‌ات را انجام نمی‌دهند». «س.م.» زن، فوق‌لیسانس، علوم محیطی، غیربومی و ساکن خوابگاه نیز حکایت مشابهی دارد: «کارهای اداری در اینجا هم مثل همه‌جاهای دیگه ناجوره. دوست دارند آدم را معطل نگه دارند، برای انجام کارت دست‌دست می‌کنند و بهونه میارند و امروز و فردا می‌کنند. دیگری نیز نقل می‌کند: «دوستانی سراغ دارم که شش ماه گرفتار بودند برای یک امور اداری خیلی کوچک» این است که خیلی‌ها اصولاً از آیین نامه‌ها زده و به آن‌ها بی‌اعتماد و بیگانه شده‌اند که لطمه بزرگی به جوهره‌ی هنجارین دانشگاه وارد می‌آورد: «آیین‌نامه‌ها که نوشته‌اند بر کاغذ و صوری هستند». برای همه‌ی ما که مشتاق بین‌المللی شدن آموزش عالی کشورمان هستیم دردناک است وقتی یک دانشجوی خارجی مثل «ع.ش.» مرد، فوق‌لیسانس، علوم اقتصادی و علوم سیاسی، غیر ایرانی (تاجیکستان) و ساکن خوابگاه بگوید: «شخصاً از روزی که معرفی‌نامه از وزارت علوم گرفتم حدود دو ماه طول کشید تا به دانشگاه بیاید و من از ترم عقب افتادم و فرصت یک‌ترم از من گرفت، روال اداری خوبی به نظرم نیست!»

۸. جو پردیس

موضوع موردتوجه دیگر دانشجویان برای داشتن حس مثبتی از زیستن در یک دانشگاه؛ جو پردیس، زیبایی‌های آن، عناصر فضایی آن، نمادهای معماری و فضای مناسب اقامتی است. دانشجویان دانشگاه که با آن‌ها مصاحبه شد نوعاً از زیبایی‌های طبیعی در پردیس آن و موقعیت کوه پایه‌ای و درختان و طوطی‌هایی که از این‌سو به آن‌سو پرواز می‌کنند و آلاچیق‌های چشم‌نواز بااحساس خوشایندی حرف می‌زدند. حتی اگر هم سربالایی‌هایش خسته‌کننده بود به جلوه‌هایش می‌ارزید: «محیط دانشگاه را دوست دارم، قشنگ هست، وقتی راه میری حس خوبی بهت دست میده» اما همین دانشجویان ناراحت بودند که «دانشگاه ما این‌همه سال بدون سردر است!» و «به لحاظ نمادهای دانشگاه در اینجا سردری که نشان‌دهنده دانشگاه باشد وجود ندارد!».

۹. فرهنگ‌سازمانی و کیفیت زندگی کاری

یک دانشگاه خوب را فقط فضا و معماری و درختان آن برپانمی دارد بلکه یک شرط مهم‌تر را چشمان پیجوی دانشجویان در پس پشت فیزیکی دانشگاه سراغ می‌گیرند؛ در فرهنگ‌سازمانی، جو گروه‌ها و منش و رفتار استادان و نحوه روابط آن‌ها با همدیگر و میزان تعاملات مثبت یا احیاناً روابط مخرب و بیگانگی‌ها. این است که می‌بینیم مشارکت‌کنندگان دانشجویی در این تحقیق در پشت چهره‌های به‌ظاهر محترم برخی استادان خود نگران جرگه‌گرایی‌ها و باندبازی‌ها و آلوده شدن کاروبار دانشگاهی با حب و بغض‌ها و کشاکش‌ها هستند: «باندبازی و این مسائل هست» گویا برخی دانشجویان احساس می‌کنند: «در دانشگاه باندبازی هست و اساتید طرف یک حزب یا جناح سیاسی را می‌گیرند» و دیگری به‌وضوح می‌بیند: «متأسفانه تعامل بین اساتید وجود ندارد» و شگفت‌آورتر از آن اینکه دانشجویی نتیجه‌ای با این تعبیر بگیرد: «برخی اساتید باهم حسودند!» (ع.ر.). مرد، فوق‌لیسانس، علوم زیستی، غیربومی و ساکن خوابگاه استدلال می‌کند که: «دانشجو بازنده کشاکش‌های باندبازی استادان می‌شود به خاطر تضاد این عقاید و باورهای اساتید، عاقبت دانشجوست که ضربه می‌خورد».

۱۰. هنجارهای علمی و آکادمیک

مشارکت‌کنندگان در تحقیق فارغ از اینکه خود تا چه حدی هنجارهای علمی و آکادمیک را رعایت می‌کنند این هنجارها هنوز در باورهای آن‌ها نفوذ دارد. بازهم از پیچیدگی‌های فرهنگ و جامعه ایران است که از رعایت نشدن هنجارها توسط دیگران گلایه می‌کنند، حتی اگر خودشان هم نتوانند در عمل به این هنجارها پایبند باشند. گلایه از «پایان‌نامه‌های نگارش شده که بدون بررسی مجدد توسط اساتید وارد کتابخانه می‌شوند درحالی که دارای اشتباهاتی هستند».

۱۱. رسالت‌های فرهنگی و اجتماعی دانشگاه

آیا فلسفه‌ی آموزش عالی چیست؟ یک دانشگاه چه‌کار ویژه‌هایی دارد؟ آیا کافی است که در او آموزش و پژوهش به معنای تخصصی کلمه جریان داشته باشد و درنهایت به تربیت نیروی انسانی متخصص و ارائه خدمات تخصصی به بازار و صنعت و جهان کار بپردازد و اخیراً نیز چنانکه گفته می‌شود کارآفرینی و تولید فناوری و ثروت بکند؟ یا نه، دانشگاه نهادی اجتماعی و فرهنگی نیز هست و اهداف و انتظارات و آمال عام‌المنفعه عمومی در فلسفه‌ی تاریخی او

مستتر است و در ذات خود رسالت روشنفکری و نقد و روشنگری اجتماعی و مأموریت‌های جامعه خواسته‌ی فرهنگی و اجتماعی دارد؟ دانشجویان مشارکت‌کننده در این تحقیق نوعاً قائل به شق دوم هستند. دانشگاه در ادراک آن‌ها نهاد تفکر و نقادی و پرسشگری و پی‌جویی حقیقت است. در نتیجه متأسفانه که «جنب‌وجوشی در دانشجویان نمی‌بینیم»، «طوری القاشده که، بیشتر می‌خواهند ذکر و فکر دانشجو توی درس باشد» و تأسف از اینکه «اصلاً حرف زدن از آزادی عقیده در این دانشگاه بیمورده، آزادی عقیده نیست» «فعالیت‌های فرهنگی داخل دانشگاه را فقط بسیج و نهاد رهبری انجام میدن».

۱۲. استقلال و کفایت آکادمیک

شان و منزلت دانشگاه را چنان نمی‌بینند که باید باشد. «م.م.» مرد، فوق‌لیسانس، حقوق، غیربومی و ساکن خوابگاه می‌گوید: «از داخل دانشگاه رئیس آن توسط استان آن انتخاب بشود خیلی بهتره، تا این که کسانی رئیس را انتخاب کنند که هیچ شناختی از دانشگاه ندارند». دانشگاه نهادی فکری و حرفه‌ای است و در نتیجه مدیریت در او لازم است مطابق اصول حرفه‌گری و شایسته‌گزینی باشد «زمانی مدیریت کارآمد میشه که متخصص اون کار باشه». دانشجوی دیگر می‌گوید «گاهی می‌بینیم کسانی در رأس مدیریت‌های دانشگاهی قرار می‌گیرند که به‌جای برقراری ارتباط با دانشجو و حل مشکلات دانشجو، بیشتر در بده بستان با گروه‌های فشار و ذی‌نفوذ هست». «تجربه‌ای که خودم از دو دانشگاه بزرگ ترزاز اول داشتم نشون میده این دانشگاه‌ها دست‌وپا برای گذر زمان می‌زنند همین‌که سال بگذرد و تعطیلی فرا برسد بودجه دولتی خود را هزینه بکنند و حداقلی از کارها را به اتمام برسانند» و به تعبیر یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان «دانشگاه ما بیشتر مجری برنامه‌های دیگران هست تا اینکه بخواهد خود برنامه داشته باشد» و دانشگاهیان کمترین نقش در اداره‌ی امور خود پیدا می‌کنند: «من فکر نمی‌کنم برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری‌ها گروهی و مشارکتی باشه، بیشتر خودمحوری هست تا مشارکتی».

۱۳. برنامه‌درسی

ملال‌آور بودن و بی‌فایده بودن بخش بزرگی از درس‌های عمومی از دیگر تجربه‌های تلخ دانشجویان است. «ع.ت.» مرد، لیسانس، حقوق، غیربومی و ساکن خوابگاه می‌گوید: «با پاس کردن دروس عمومی وقت تلف می‌کنیم، نه ما از این کلاس‌ها لذت می‌بریم نه اونا (مدرسان). دروس عمومی باید متناسب با روز مثل کلاس کامپیوتر، زبان و... باشه». این

مقوله به انجای مختلف در بسیاری از مصاحبه‌ها تکرار شده است: «دروس عمومی واقعاً ضعیف هست و فقط اتلاف وقت هست»، «دروس عمومی، نه اساتید کلاس هاشون جدی هست و نه دانشجویان مایل‌اند دراین کلاس‌ها حضورداشته باشند، و اکثراً تو کلاس‌های عمومی غیبت می‌کنند، بی‌انگیزه هستند». دانشجویان مصاحبه‌شونده برای حل این مشکل، راه‌حل هم می‌دهند: «به‌جای این‌ها کارگاه‌هایی باشد که شیوه زندگی سالم را آموزش دهند».

۱۴. رقابت‌پذیری آکادمیک

بدون شرایط رقابتی امکان پیشرفت و ابتکار و پویایی نیست. کشور نیاز به فضای رقابتی سالمی برای ظهور ابتکارات و خلاقیت‌ها و نوآوری‌هاست. مداخلات، ابتکار سوز هستند و نگاه‌های یکسان‌ساز مانع رشد و توسعه هستند. رقابت چه در درون یک دانشگاه میان دانشجویان، میان اساتدان، میان گروه‌ها و رشته‌ها و دانشکده‌ها و چه خصوصاً در جامعه و میان دانشگاه‌ها و بالأخص در سطح منطقه‌ای و رقابت‌پذیری‌های لازم جهانی. «هی». «مرد، دکتری، علوم تربیتی، غیربومی و ساکن خوابگاه می‌گوید: «در رشته ما دانشگاه بهترین دانشگاه در حوزه آموزش عالی است در بین دانشگاه‌های کشور و منطقه توان رقابت دارد. اعتبار مدرک دانشگاهی برای انتخاب دانشگاهم خیلی مهم بوده است». در مصاحبه‌های دیگر نیز گوشه‌های مختلف اصل رقابت‌پذیری ذکر می‌شد: «بچه‌های حقوق این دانشگاه می‌نازند که ما بهترین‌های حقوق در کشور هستیم»، «دانشگاه تو بعضی رشته‌ها خوبه، اعتبار دانشگاه بین گروه‌ها، رشته و دانشکده‌ها متفاوت هست»

۱۵. بین‌المللی شدن

دانشجویان مشتاق بین‌المللی شدن دانشگاهشان هستند و حتی کوچک‌ترین شواهد مثل برگزاری همایش‌های تخصصی بین‌المللی در دانشگاه را به فال نیک می‌گیرند: «برای رشته ما که دو بار همایش بیمه برگزار شد با شرکت‌های بیمه آشنا شدم، با سازمان‌ها کامل آشنا شدم، از کشورهای خارجی اومده بودند» تا حسرت‌ها و نیازهای اصلی بعدی‌شان برای تحصیل در دانشگاهی که نگاه جهانی و مراوده و مبادله‌ی علمی و دانشگاهی فعال جهانی دارد و این را در دانشگاه متحقق نمی‌بینند: «دانشگاه با دانشگاه‌های دیگر کشورها ارتباط چندان ندارد و تفاهم‌نامه همکاری و تبادل اطلاعات و دانش ندارد، تو پذیرش دانشجوی و جذب استاد همکاری نیست» معدودی دانشجویان دیگر در این دانشگاه درس می‌خوانند که اظهارات آن‌ها شاهد مثالی برای ضعف‌های ما در بین‌المللی شدن آموزش عالی‌مان است.

وقتی دانشجوی کشورهایی مثل تاجیکستان و سوریه دریکی از مشهورترین دانشگاه‌های کشور انواع مشکلات دارند، حساب بقیه کشورهای جهان آن‌هم در مقیاس کل دانشگاه‌های کشور از نظر پس‌افتادگی ما در بین‌المللی شدن دانشگاه‌هایمان معلوم می‌شود. «ع.ش.» مرد، فوق‌لیسانس، علوم اقتصادی و علوم سیاسی، غیر ایرانی (تاجیکستان) و ساکن خوابگاه می‌گوید: «مدیران دانشگاه بیشتر به دنبال جذب بیشتر دانشجویان خارجی هستند درحالی‌که به دنبال برطرف کردن نواقص نیستند... عملکرد واقعی دانشگاه به لحاظ درسی خوب هست، به لحاظ اداری جالب نیست، امکانات آشپزخانه خوابگاه کم هست، سالن مطالعه خوابگاه کافی نیست، تمیز هم نیست و دوستانم سکوت را رعایت نمی‌کنند. کارکنان رفتار و برخوردشان جالب نیست به‌خصوص منشی‌های اساتید رفتارشان خوب نیست قبل از این‌که پیام اینجا فکر می‌کردم دانشگاهی که این قدر اسم‌ورسم دارد حداقل منظم‌تر از دانشگاه قبلی‌ام باشه، بعد که اوادم دیدم نظم نیست و از رفتار و برخورد عده‌ای از کارکنان خوشم نیومد عملکرد مدیران و دانشگاه که همش سعی می‌کنند مثبت بگویند، نواقص نادیده بگیرند، پسندیده نیست. به نظرم گول زدن خودمان هست. انتقاد نپذیرفتن نقص بزرگ هست که اینجا می‌بینم... نظرخواهی به‌صورت جدی از ما نمی‌شود، ولی گاه‌گاهی که نظرخواسته می‌شود صریح از ما خواسته می‌شود که مثبت بگیم!»

۱۶. صیت و آوازه و نشان اجتماعی (برند)

دانشگاه وقتی می‌تواند پیشرفت کند که چارچوب‌های کارآمدی برای ارزیابی درونی و بیرونی داشته باشد، از طریق شبکه‌ای از اعتبارسنجی در مقیاس ملی و بین‌الملل خود را در معرض قضاوت عمومی قرار بدهد، ساختارها و فرایندهایی برای ممیزی داخلی و بیرونی داشته باشد، الزامات کیفیت و استانداردها را در خود مستقر بکند، نظامی از پایش برقرار سازد و در رتبه‌بندی‌ها وضعیت خود را ارتقا بدهد. مصاحبه‌شونده‌ها نشان می‌دادند که حاضر نیستند چشم‌پسته در دانشگاهی درس بخوانند. برای مثال «ر.ق.» مرد، فوق‌لیسانس، علوم تربیتی، غیربومی و ساکن خوابگاه می‌گوید: «از دلایلی که این دانشگاه را انتخاب کردم به خاطر اینکه اساتید صاحب‌نظر و بنامی که دارد که در سطح کشور شناخته شدند و اغلب کتاب‌های آن‌ها منبع آزمون‌ها و در کلاس تدریس می‌شد». دیگری می‌گوید: «می‌شنیدم اینکه جزو هشت‌تا دانشگاه برتر هست یه جوری برایم ایجاد انگیزه می‌کرد که این دانشگاه را

انتخاب کنم». و دیگری: «من رنکینگ دانشگاه را دنبال می‌کنم، الان رنکینگ ما چهارم و پنجم هست».

۱۷. پرورش دانش‌آموختگان باکیفیت

از حرف‌هایشان به‌روشنی پیداست که با انتظاراتی به دانشگاه آمده‌اند «ر.ق.» مرد، فوق‌لیسانس، علوم تربیتی، غیروبومی و ساکن خوابگاه که می‌گوید: «تحصیل در اینجا یک نوع پایگاه اجتماعی برای فرد ایجاد می‌کند». یا «ع.ر.» مرد، فوق‌لیسانس، علوم زیستی، غیروبومی و ساکن خوابگاه که افتخار می‌کند: «دانشجویانی که فارغ‌التحصیل شدند از این دانشگاه اغلب به مقام بالایی رسیدند» هرچند متأسفانه نگرانی‌های آینده‌ی شغلی دست‌آزرشان بر نمی‌دارد. چنانکه «ف.ا.» زن، فوق‌لیسانس، علوم ریاضی، غیروبومی و ساکن خوابگاه اظهار می‌دارد: «به لحاظ شغلی هنوز آینده‌ام معلوم نیست» و «س.م.» زن، فوق‌لیسانس، علوم محیطی، غیروبومی و ساکن خوابگاه ناراحت است از اینکه «دانشگاه فرصت تحصیلی، شغلی خاصی برایم فراهم نکرد، اساتید دانشجویان را در پروژه‌های خود سهیم نمی‌کنند تا الآن که نتونستم کار و شغل مناسب پیدا کنم» و دیگران نیز به همین صورت: «دانشگاه هیچ فرصتی شغلی، پژوهشی و.. برایم نداشته، تا الان که برایم فرصتی فراهم نکرده»

۱۸. تولید دانش و کارآفرینی و خدمات تخصصی به جامعه و پاسخگویی اجتماعی

دانشگاه‌های ایران تا مدت‌ها دانشگاه‌های نسل نخست آموزشی بودند از حدود دهه ۹۰ با گسترش تحصیلات تکمیلی و برآثر رشد فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در جهان و نفوذ آن در ایران، روندی از افزایش مقالات علمی در دانشگاه‌ها آغاز شد. اما مقاله علمی فقط یکی از نشانگرهای نسل دوم دانشگاه پژوهشی است. هنوز دانشگاه‌های ما از حیث ارتباط با صنعت و جهان کار و دنیای خدمات و پاسخگویی اجتماعی چندان به موفقیت‌های چشمگیر نرسیده‌اند و مطمئناً با نسل سوم دانشگاه‌های کارآفرین نیز فاصله بسیار دارند. مشارکت‌کنندگان در تحقیق تجربه‌ی چندان موفقیت‌آمیزی از این موضوع نداشتند: «کیفیت پایین هست تو حوزه پژوهش زیاد فعال نیستند»، «دانشگاه با صنعت ارتباط ندارد، بین دانشگاه و صنعت هیچ پلی نیست. اگر پایان‌نامه خروجی داشته باشه همان به کتاب یا مقاله است»، «الان دانشگاه‌ها بیشتر تو دور تولید مقالات افتاده‌اند اما مهم این است که از این مسیر دانشگاه‌ها بتوانند فناوری‌های موردنیاز اجتماعی را نیز تولید بکنند و اختراعات به‌دردبخوری بشود و منشأ خیروبرکت برای جامعه بشود».

جدول ۳. خلاصه‌ای از تحلیل مضامین و مقولات مصاحبه‌ها

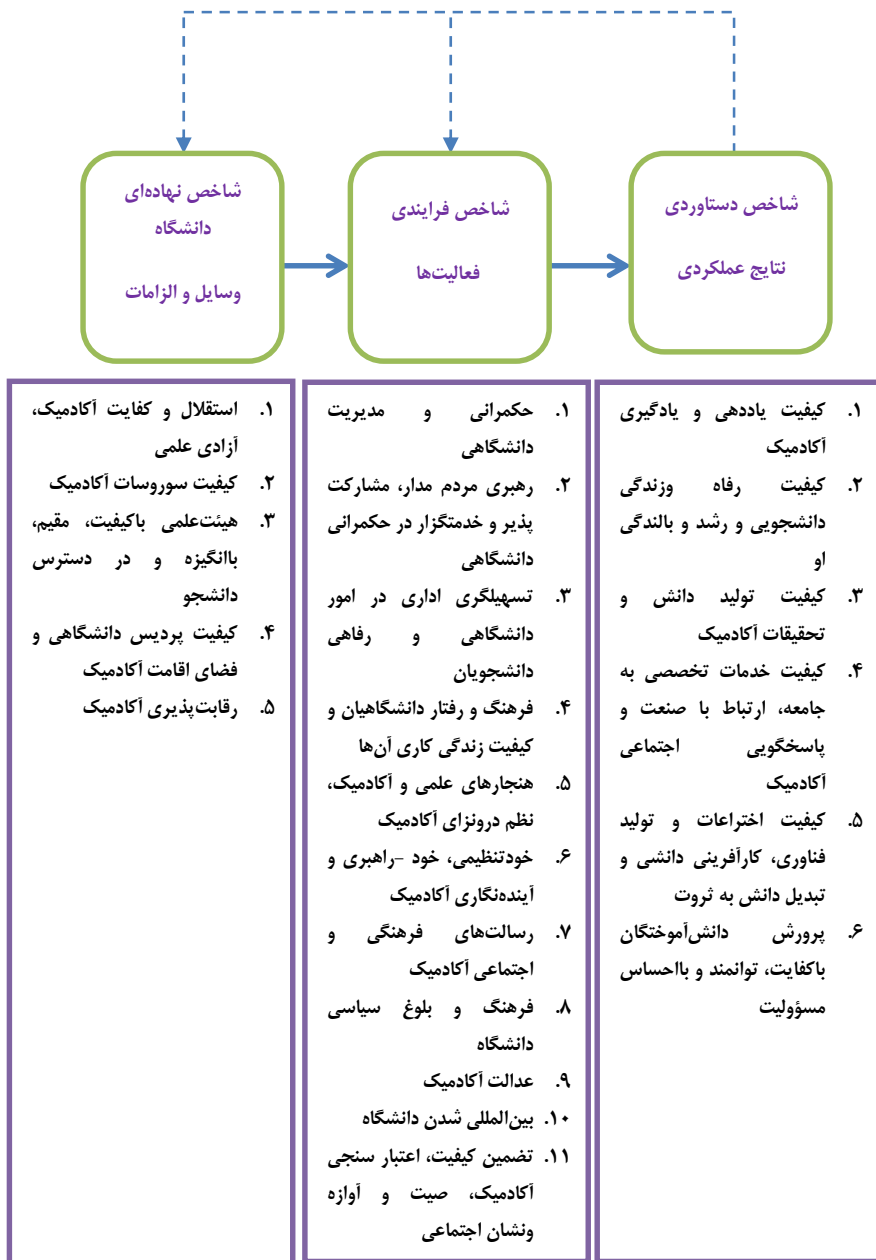
ردیف	مقولات	مضامین	گزاره‌ها
۱	فرهنگ و بلوغ سیاسی دانشگاه	آگاهی و نشاط سیاسی، تفکر انتقادی و روشنگری دانشگاه بدون سیاست زدگی یا سیاست‌زدایی	۱-۱، ۴-۱۱، ۶-۱۲، ۶-۱۳، ۷-۸، ۹-۹، ۱۳-۵، ۷-۸
۲	هنجارهای علمی و آکادمیک، نظم درونزای آکادمیک	اجتماعی کردن علمی دانشجویان، تعلق‌خاطر به رشته، درونی شدن هنجارهای آکادمیک، نظم‌پذیری درونزای دانشگاهی در کلاس‌ها و تحقیقات پایان‌نامه و داوری و دفاع، رعایت حقوق مالکیت فکری نویسندگان و استناد صحیح به مقالات و کتاب‌های دیگران،	۴-۸، ۱۲-۱۳، ۱۳-۷، ۱۳-۷، ۱۴-۵، ۱۴-۴، ۱۳-۹، ۱۹-۲
۳	فرهنگ و رفتار دانشگاهیان و کیفیت زندگی کاری آنها	دوری از جرگه گرایی، اخلاق حرفه‌ای در دانشگاه، جو گروه‌های دانشگاهی، تعاملات درون و بیرون دانشگاهی و اجتماعی استادان	۱-۱۰، ۵-۱۵، ۵-۱۴، ۳-۴، ۱-۱، ۷، ۱۴-۸، ۲۱-۱
۴	رقابت‌پذیری آکادمیک	تنوع خلاق فرهنگ‌های رشته‌ای رقابت میان رشته‌ها و دانشکده‌ها در دانشگاه، رقابت میان دانشگاهی در سطوح ملی و بین‌المللی	۱-۱۱، ۴-۱، ۲-۱
۵	کیفیت زندگی دانشجویی و رشد و بالندگی او	جنب‌وجوش علمی و تحصیلی، رفاه، تغذیه، سیستم‌های حمایت از دانشجو، سلامت تن و ذهن و روان دانشجو، تربیت بدنی، شورونشاط دانشجویی، تفکر انتقادی، تنوع و آزادی‌های دیدگاه‌ها و سبک‌های زندگی دانشجویان، نرخ مشارکت و تنوع نهادهای دانشجویی	۱-۱، ۲-۱۶، ۲-۱۰، ۵-۱، ۲-۷، ۲-۱۴، ۳-۳، ۳-۱۰، ۱۳-۱۱، ۴-۱۲، ۵-۷، ۵-۹، ۵-۱۱، ۵-۵، ۵-۱۲، ۵-۱۲، ۵-۱۳، ۶-۱۰، ۶-۸، ۶-۷، ۷-۱۲، ۷-۸، ۷-۵، ۷-۲، ۸-۸، ۸-۱۲، ۸-۱۱، ۹-۱۱، ۹-۱۲، ۹-۱۳، ۱۰-۱۴، ۱۰-۱۲، ۱۴-۱۴، ۱۳-۱۴، ۱۳-۱۴، ۱۴-۱۷، ۱۴-۱۸، ۱۴-۱۳
۶	عدالت آکادمیک	برکنار از تبعیض در کارکردها و خدمات (تدریس، ارزشیابی، فرصت‌های آموزشی و پژوهشی و رفاهی	۱-۳، ۲-۳، ۲-۵، ۳-۷، ۳-۵، ۴-۶، ۴-۷، ۴-۸، ۵-۹، ۵-۱۰، ۵-۱۱، ۷-۱۲
۷	کیفیت سروسات آکادمیک	نورم های کالبدی و فنی مثل زیرساخت‌های کمک‌آموزشی، کتابخانه، منابع و اطلاعات علمی کافی و روزآمد، آرشيو کارآمد علمی، تجهیزات آزمایشگاهی، اینترنت و فناوری اطلاعات و ارتباطات و محیط‌های نوین چندرسانه‌ای	۱-۱، ۱-۷، ۱-۸، ۲-۱، ۲-۷، ۲-۸، ۳-۷، ۳-۸، ۴-۹، ۴-۱۰، ۴-۱۱، ۵-۷، ۵-۸، ۵-۹، ۵-۱۰، ۵-۱۱، ۶-۱۳، ۶-۱۴، ۷-۱۱، ۷-۱۳
۸	حکمرانی و مدیریت دانشگاهی	تفکر برنامه‌ریزی استراتژیک یکپارچگی آکادمیک و برکنار بودن از گروه‌های	۱-۵، ۱-۹، ۱-۱۰، ۴-۱۰، ۴-۱۱، ۴-۱۸، ۴-۱۱، ۴-۱۸

۹	خودتنظیمی، خود - راهبری و آینده‌نگاری آکادمیک	فشار و ذی نفوذ	خدمت‌گزاری و روان‌سازی امور، مقررات زدایی، حذف فرایندها و رویه‌های زائد و خسته‌کننده و ملال‌آور	۱-۱۱، ۲-۱۲، ۳-۴، ۵-۶، ۷-۸، ۹-۱۰، ۱۱-۱۲، ۱۳-۱۴، ۱۵-۱۶، ۱۷-۱۸، ۱۹-۲۰، ۲۱-۲۲، ۲۳-۲۴، ۲۵-۲۶، ۲۷-۲۸، ۲۹-۳۰، ۳۱-۳۲، ۳۳-۳۴، ۳۵-۳۶، ۳۷-۳۸، ۳۹-۴۰، ۴۱-۴۲، ۴۳-۴۴، ۴۵-۴۶، ۴۷-۴۸، ۴۹-۵۰، ۵۱-۵۲، ۵۳-۵۴، ۵۵-۵۶، ۵۷-۵۸، ۵۹-۶۰، ۶۱-۶۲، ۶۳-۶۴، ۶۵-۶۶، ۶۷-۶۸، ۶۹-۷۰، ۷۱-۷۲، ۷۳-۷۴، ۷۵-۷۶، ۷۷-۷۸، ۷۹-۸۰، ۸۱-۸۲، ۸۳-۸۴، ۸۵-۸۶، ۸۷-۸۸، ۸۹-۹۰، ۹۱-۹۲، ۹۳-۹۴، ۹۵-۹۶، ۹۷-۹۸، ۹۹-۱۰۰، ۱۰۱-۱۰۲، ۱۰۳-۱۰۴، ۱۰۵-۱۰۶، ۱۰۷-۱۰۸، ۱۰۹-۱۱۰، ۱۱۱-۱۱۲، ۱۱۳-۱۱۴، ۱۱۵-۱۱۶، ۱۱۷-۱۱۸، ۱۱۹-۱۲۰، ۱۲۱-۱۲۲، ۱۲۳-۱۲۴، ۱۲۵-۱۲۶، ۱۲۷-۱۲۸، ۱۲۹-۱۳۰، ۱۳۱-۱۳۲، ۱۳۳-۱۳۴، ۱۳۵-۱۳۶، ۱۳۷-۱۳۸، ۱۳۹-۱۴۰، ۱۴۱-۱۴۲، ۱۴۳-۱۴۴، ۱۴۵-۱۴۶، ۱۴۷-۱۴۸، ۱۴۹-۱۵۰، ۱۵۱-۱۵۲، ۱۵۳-۱۵۴، ۱۵۵-۱۵۶، ۱۵۷-۱۵۸، ۱۵۹-۱۶۰، ۱۶۱-۱۶۲، ۱۶۳-۱۶۴، ۱۶۵-۱۶۶، ۱۶۷-۱۶۸، ۱۶۹-۱۷۰، ۱۷۱-۱۷۲، ۱۷۳-۱۷۴، ۱۷۵-۱۷۶، ۱۷۷-۱۷۸، ۱۷۹-۱۸۰، ۱۸۱-۱۸۲، ۱۸۳-۱۸۴، ۱۸۵-۱۸۶، ۱۸۷-۱۸۸، ۱۸۹-۱۹۰، ۱۹۱-۱۹۲، ۱۹۳-۱۹۴، ۱۹۵-۱۹۶، ۱۹۷-۱۹۸، ۱۹۹-۲۰۰، ۲۰۱-۲۰۲، ۲۰۳-۲۰۴، ۲۰۵-۲۰۶، ۲۰۷-۲۰۸، ۲۰۹-۲۱۰، ۲۱۱-۲۱۲، ۲۱۳-۲۱۴، ۲۱۵-۲۱۶، ۲۱۷-۲۱۸، ۲۱۹-۲۲۰، ۲۲۱-۲۲۲، ۲۲۳-۲۲۴، ۲۲۵-۲۲۶، ۲۲۷-۲۲۸، ۲۲۹-۲۳۰، ۲۳۱-۲۳۲، ۲۳۳-۲۳۴، ۲۳۵-۲۳۶، ۲۳۷-۲۳۸، ۲۳۹-۲۴۰، ۲۴۱-۲۴۲، ۲۴۳-۲۴۴، ۲۴۵-۲۴۶، ۲۴۷-۲۴۸، ۲۴۹-۲۵۰، ۲۵۱-۲۵۲، ۲۵۳-۲۵۴، ۲۵۵-۲۵۶، ۲۵۷-۲۵۸، ۲۵۹-۲۶۰، ۲۶۱-۲۶۲، ۲۶۳-۲۶۴، ۲۶۵-۲۶۶، ۲۶۷-۲۶۸، ۲۶۹-۲۷۰، ۲۷۱-۲۷۲، ۲۷۳-۲۷۴، ۲۷۵-۲۷۶، ۲۷۷-۲۷۸، ۲۷۹-۲۸۰، ۲۸۱-۲۸۲، ۲۸۳-۲۸۴، ۲۸۵-۲۸۶، ۲۸۷-۲۸۸، ۲۸۹-۲۹۰، ۲۹۱-۲۹۲، ۲۹۳-۲۹۴، ۲۹۵-۲۹۶، ۲۹۷-۲۹۸، ۲۹۹-۳۰۰، ۳۰۱-۳۰۲، ۳۰۳-۳۰۴، ۳۰۵-۳۰۶، ۳۰۷-۳۰۸، ۳۰۹-۳۱۰، ۳۱۱-۳۱۲، ۳۱۳-۳۱۴، ۳۱۵-۳۱۶، ۳۱۷-۳۱۸، ۳۱۹-۳۲۰، ۳۲۱-۳۲۲، ۳۲۳-۳۲۴، ۳۲۵-۳۲۶، ۳۲۷-۳۲۸، ۳۲۹-۳۳۰، ۳۳۱-۳۳۲، ۳۳۳-۳۳۴، ۳۳۵-۳۳۶، ۳۳۷-۳۳۸، ۳۳۹-۳۴۰، ۳۴۱-۳۴۲، ۳۴۳-۳۴۴، ۳۴۵-۳۴۶، ۳۴۷-۳۴۸، ۳۴۹-۳۵۰، ۳۵۱-۳۵۲، ۳۵۳-۳۵۴، ۳۵۵-۳۵۶، ۳۵۷-۳۵۸، ۳۵۹-۳۶۰، ۳۶۱-۳۶۲، ۳۶۳-۳۶۴، ۳۶۵-۳۶۶، ۳۶۷-۳۶۸، ۳۶۹-۳۷۰، ۳۷۱-۳۷۲، ۳۷۳-۳۷۴، ۳۷۵-۳۷۶، ۳۷۷-۳۷۸، ۳۷۹-۳۸۰، ۳۸۱-۳۸۲، ۳۸۳-۳۸۴، ۳۸۵-۳۸۶، ۳۸۷-۳۸۸، ۳۸۹-۳۹۰، ۳۹۱-۳۹۲، ۳۹۳-۳۹۴، ۳۹۵-۳۹۶، ۳۹۷-۳۹۸، ۳۹۹-۴۰۰، ۴۰۱-۴۰۲، ۴۰۳-۴۰۴، ۴۰۵-۴۰۶، ۴۰۷-۴۰۸، ۴۰۹-۴۱۰، ۴۱۱-۴۱۲، ۴۱۳-۴۱۴، ۴۱۵-۴۱۶، ۴۱۷-۴۱۸، ۴۱۹-۴۲۰، ۴۲۱-۴۲۲، ۴۲۳-۴۲۴، ۴۲۵-۴۲۶، ۴۲۷-۴۲۸، ۴۲۹-۴۳۰، ۴۳۱-۴۳۲، ۴۳۳-۴۳۴، ۴۳۵-۴۳۶، ۴۳۷-۴۳۸، ۴۳۹-۴۴۰، ۴۴۱-۴۴۲، ۴۴۳-۴۴۴، ۴۴۵-۴۴۶، ۴۴۷-۴۴۸، ۴۴۹-۴۵۰، ۴۵۱-۴۵۲، ۴۵۳-۴۵۴، ۴۵۵-۴۵۶، ۴۵۷-۴۵۸، ۴۵۹-۴۶۰، ۴۶۱-۴۶۲، ۴۶۳-۴۶۴، ۴۶۵-۴۶۶، ۴۶۷-۴۶۸، ۴۶۹-۴۷۰، ۴۷۱-۴۷۲، ۴۷۳-۴۷۴، ۴۷۵-۴۷۶، ۴۷۷-۴۷۸، ۴۷۹-۴۸۰، ۴۸۱-۴۸۲، ۴۸۳-۴۸۴، ۴۸۵-۴۸۶، ۴۸۷-۴۸۸، ۴۸۹-۴۹۰، ۴۹۱-۴۹۲، ۴۹۳-۴۹۴، ۴۹۵-۴۹۶، ۴۹۷-۴۹۸، ۴۹۹-۵۰۰، ۵۰۱-۵۰۲، ۵۰۳-۵۰۴، ۵۰۵-۵۰۶، ۵۰۷-۵۰۸، ۵۰۹-۵۱۰، ۵۱۱-۵۱۲، ۵۱۳-۵۱۴، ۵۱۵-۵۱۶، ۵۱۷-۵۱۸، ۵۱۹-۵۲۰، ۵۲۱-۵۲۲، ۵۲۳-۵۲۴، ۵۲۵-۵۲۶، ۵۲۷-۵۲۸، ۵۲۹-۵۳۰، ۵۳۱-۵۳۲، ۵۳۳-۵۳۴، ۵۳۵-۵۳۶، ۵۳۷-۵۳۸، ۵۳۹-۵۴۰، ۵۴۱-۵۴۲، ۵۴۳-۵۴۴، ۵۴۵-۵۴۶، ۵۴۷-۵۴۸، ۵۴۹-۵۵۰، ۵۵۱-۵۵۲، ۵۵۳-۵۵۴، ۵۵۵-۵۵۶، ۵۵۷-۵۵۸، ۵۵۹-۵۶۰،
---	---	----------------	---	--

	آموزش‌های اختیاری و آزاد فوق‌برنامه		
۱۷	کیفیت تولید دانش و تحقیقات آکادمیک کیفیت خدمات تخصصی به جامعه، ارتباط با صنعت و پاسخگویی اجتماعی آکادمیک کیفیت اختراعات و تولید فناوری، کارآفرینی دانشی و تبدیل دانش به ثروت	تولید مقالات و کتب موردنیاز برای جامعه پاسخگویی اجتماعی، رابطه با صنعت و جهان کار، رابطه دانشگاه با جامعه تولید فناوری و ثروت	۱۸-۲، ۱۵-۵، ۱۰-۱، ۱۴-۱۵ ۱۸-۴، ۱۷-۶، ۱۳-۱۲
۱۸	نظام تضمین کیفیت، اعتبار سنجی آکادمیک، صیت و آوازه و نشان اجتماعی	نظام اعتبار سنجی، ارزیابی درونی و بیرونی، پیمایش‌های نظرسنجی از دانشجو و دانش‌آموخته، رتبه‌بندی، حسن شهرت، سرآمدی و تعالی کیفیت دانشگاه	۱-۳، ۳-۴، ۱۴-۱، ۱۷-۵، ۲-۱، ۱۹-۵، ۱۳-۱، ۱۶-۱۵
۱۹	پرورش دانش‌آموختگان باکفایت، توانمند و مسؤولیت شناس	آماده‌سازی دانش‌آموختگان برای تحرک اجتماعی و شغل یابی و کارآفرینی، فرصت سازی و بخت آوری برای دانش‌آموختگان	۹-۳، ۵-۲۰، ۷-۹، ۱۰-۱۰، ۱۱-۱۱
۲۰	بین‌المللی شدن دانشگاه	همکاری‌های علمی بین‌الملل، نگاه جهانی - محلی به فعالیت‌های دانشی، استقرار استانداردهای قابل‌مقایسه جهانی در دانشگاه، آموزش به یک‌زبان بین‌المللی، اصلاح فرایندها، تبادل دانشجو و استاد، تفاهم‌نامه‌ها، تنوع‌پذیری فرهنگی، زندگی دانشگاهی چند فرهنگی و...	۲۰-۲۳، ۱۳-۱۵، ۱۳-۱۲

ب. مقولات اصلی و گزاره‌های فرضیه‌ای برآمده از تحقیق

رویکرد پدیدار شناختی به ما کمک کرد توصیفی تاحدامکان فربه درباره‌ی تجربه‌ی زیسته‌ی دانشجویی درباره‌ی دانشگاه فراهم بیاوریم. ۱۸ مشخصه از عناصر تشکیل‌دهنده ادراک زیسته و تجربه‌شده‌ی دانشجویان درباره‌ی دانشگاه به دست آمد که به سه گروه شاخص اصلی قابل‌تقلیل‌اند: شاخص نهاده‌ای دانشگاه مانند چهار مشخصه (۳ و ۵ و ۱۲ و ۱۳)، شاخص فرایند‌ی دانشگاه مانند نه مشخصه (۱ و ۲ و ۴ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۵) و نهایتاً شاخص دستاوردی مثل پنج مشخصه (۱۱ و ۱۴ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸). (شکل ۱)



شکل ۱. مدل برآمده از تحقیق برای دانشگاه مطلوب در تجربه ادراک‌شده دانشجویان

افزون بر آن همان گونه که در شکل ملاحظه می شود از طریق بسامدهای تأکیدات دانشجویان مشارکت کننده در مطالعه، تعدادی گزاره فرضیه ای نیز به دست آمده که می توان آن ها را به روش پیمایش آزمون کرد؛ سه فرضیه اصلی عبارت اند از: ۱. بین داشته های نهادین دانشگاه با نحوه فعالیت هایش رابطه جهت داری هست این مطابق آن سخن شیخ بهایی است که ضرب المثل ایرانی شده است و می گوید: از کوزه همان برون تراود که در اوست. ۲. میان فرایندها و فعالیت ها در دانشگاه با محصولات و برون دادها و پیامدهای آن رابطه جهت داری هست. این نیز مطابق ضرب المثل دیگر ایرانی برگرفته از غزلی از حافظ است: هرکسی آن درود عاقبت کار که کشت. ۳. بین مشکلات در داشته های دانشگاه با مشکلات در دستاوردهای آن رابطه جهت داری هست. این هم در ضرب المثلی دیگر برگرفته از شعر فردوسی آمده است: که آب روان از بُنه تیره بود.

برخی از فرضیه های دیگر برآمده از تحقیق در ذیل این سه فرضیه اصلی عبارت اند از: ۴. وضع حکمرانی دانشگاه با استقلال آکادمیک و آزادی علمی ارتباط دارد. ۵. میان کیفیت هیئت علمی با کیفیت یاددهی و یادگیری آکادمیک رابطه هست. ۶. میان کیفیت هیئت علمی و کیفیت دانش آموختگان رابطه هست. ۷. بین کیفیت جو پردیس با کیفیت یاددهی و یادگیری رابطه هست. ۸. بین کیفیت جو پردیس با کیفیت تولید دانش رابطه هست. ۹. بین کیفیت جو پردیس با کیفیت دانش آموختگان رابطه هست. ۱۰. بین کیفیت زندگی دانشجویی و رشد و بالندگی او با کیفیت یاددهی و یادگیری رابطه هست. ۱۱. بین کیفیت زندگی دانشجویی و رشد و بالندگی او با کیفیت دانش آموختگان رابطه هست. ۱۲. میان فرهنگ دانشگاه و کیفیت زندگی کاری هیئت علمی با کیفیت یاددهی و یادگیری رابطه هست. ۱۳. میان فرهنگ دانشگاه و کیفیت زندگی کاری هیئت علمی با کیفیت تولید دانش رابطه هست. ۱۴. میان فرهنگ دانشگاه و کیفیت زندگی کاری هیئت علمی با کیفیت دانش آموختگان رابطه هست.

بحث و نتیجه گیری

معانی و ادراکات موجود در نزد دانشجویان در باب دانشگاه مهم است. چون به نحوه درس خواندن آن ها شکل می بخشد و سمت و سو می دهد. سنت روش شناختی پدیدارشناسی دغدغه آن را دارد که به خود امور و به سوی خود آدم ها نزدیک شود. مدت هاست عملکرد دانشگاه ها و کیفیت یاددهی و یادگیری و نتایج و تأثیرات اجتماعی دانشگاه در ایران مناقشه آمیز شده است. به همین منظور محقق دست بالا گرفت و یکی از باسابقه ترین دانشگاه های بزرگ و

دولتی و جامع را در پایتخت برای مطالعه موردی انتخاب کرد تا ببیند دانشجویان چه حسی از بودن در آن دارند و تجربه‌های زیسته آن‌ها در دانشگاه از چه قرار است. از پیمایش با پرسشنامه‌های پیش‌ساخته در محدوده یک چارچوب نظری نیز استفاده نشد چون با این کار دانشجویان نسبت به گزینه‌های از پیش آماده‌ی ما عکس‌العمل نشان می‌دهند و نمی‌توانیم به عمق ادراکات و احساسات و معانی و تجارب زیسته آن‌ها نفوذ کنیم. برای همین بود که روش پدیدارشناسی تفسیری انتخاب شد. نتیجه‌ای که به دست آمد این بود:

یک. تصویر اجتماعی دانشگاه در دل و دیده‌ی دانشجویان مخدوش و مناقشه آمیز شده است. دانشجویان مشارکت‌کننده در تحقیق حس چندان مثبتی از بودن در دانشگاه نداشتند. وقتی در ۱. دانشگاه با سابقه و دولتی و درجه اول چنین است احتمالاً درباره‌ی دانشگاه‌های دیگر نیز نیاز به مطالعات جدی داریم.

۲. دانشجویان مشارکت‌کننده در تحقیق به دانشگاه نیامده‌اند فقط درس بخوانند بلکه در آنجا می‌خواهند زندگی نیز بکنند. یعنی معلوم است که فقط ذهن‌هایی همچون الواح سفید و ظروف خالی نیستند تا از معلومات پر بشوند. آن‌ها به دانشگاه آمده‌اند اما نه فقط با اذهان بلکه با بدن‌ها و انواع نیازها و احساس‌ها و شور و شوق زندگی و بازی و شادی و هویت و مشارکت و تشکیل اجتماعات و سایر آمال و آرزوهایشان. دانشگاه را نه صرفاً برای تحصیل بلکه به مثابه یک کلوپ اجتماعی نیز می‌خواهند. این انتظاری است که گویا کمتر برآورده می‌شود. یکی از گزاره‌های تکراری حاکی از این بود که دانشجویان کارشناسی در بدو ورود کم‌وبیش شوری در سردارند اما در ترم‌های بعدی از آن کاسته می‌شود. خطای بزرگی خواهد بود که دانشگاه ایرانی فکر کند فقط وظیفه دارد تخصصی را به دانشجویان بفروشد، آموزش بدهد، امتحان بکند و تصدیق صادر بکند. مشارکت‌کنندگان در این مطالعه از دانشگاه علاوه بر انتقال دانش، انتظارات دیگری دارند: معنا، رابطه و هویت و مانند آن. آیا این انتظار برآورده می‌شود؟ تحقیق کیفی توانایی تعمیم یک حکم به پهنه‌ای از قلمرو یا جامعه ندارد اما می‌تواند از عمق احساس‌ها و ادراکات خبری بدهد. دانشجویانی در مطالعه ما مشارکت کردند که نه تنها زندگی در دانشگاه، زیاد برایشان خوشایند و رضایت‌بخش نیست، بلکه با انواع ابهامات و نگرانی‌ها نیز همراه است. بیکاری یا فقدان کار مناسب و مرتبط در بعد از فارغ‌التحصیلی فقط یکی از این نگرانی‌های جدی است.

۳. انواع گرفتاری‌های مدیریتی و مالی و سیاسی مانع از این می‌شود که دانشگاه ایرانی مورد مطالعه ما در پرورش دانشجویان توفیق لازم به دست بیاورد. کارهای فرهنگی بسیار پرهزینه و رسمی در دانشگاه در جریان است اما بیشتر ماهیت دولتی دارند و فاقد تنوع هستند. جو و فضای دانشگاه، نیازهای متنوع جوانی و فرهنگی و اجتماعی و فراغتی شرکت‌کنندگان در این مطالعه را تأمین نمی‌کند و فاقد نفوذ لازم برای توسعه شایستگی‌های کانونی و اجتماعی و مهارت‌های زندگی و کیفیت زندگی دانشجویان است.

۴. به نظر می‌رسد فرهنگ شفاهی و چهره به چهره و عاطفی برای دانشجوی ایرانی همچنان مهم است. ارتباطات انسانی و مردم‌مداری مدیران جزو بارزترین حساسیت‌های دانشجویان مشارکت‌کننده در این تحقیق دیده شد. روابط خشک بوروکراتیک برای آن‌ها معنادار نیست. حتی اگر رئیسی در چارچوب قوانین رسمی کار بکند خرسندی کافی به آن‌ها نمی‌دهد. می‌خواهند رئیس دانشگاه را ببینند. می‌خواهند او با آن‌ها بنشیند و در اجتماعاتشان به آن‌ها از نحوه کار دانشگاه صحبت بکند و به حرف‌هایشان گوش دهد. استادی که باسواد باشد و خوب درس بدهد از نظر دانشجویان لازم است اما کافی نیست چون آن‌ها بیشتر استادانی می‌خواهند که با آن‌ها ارتباطات انسانی گرم‌تری برقرار کنند.

۵. گویا فضای دانشجویی ایران برحسب نتایج این مورد کاوی، در حال عبور از دوره‌ی نخبه‌گرایی آکادمیک و حس استاد و شاگردی به معنای سنتی کلمه است. احتمالاً از یکسو دنیای ارتباطات و انفجار اطلاعات و از سوی دیگر افت کیفیت در دانشگاه‌های کشور و سیطره کمیت بران و خصوصاً وضعیت آنومیک و دفورمه جامعه کنونی ایران سبب شده است که آن نگاه‌های آرمانی دانشجویان به استادان روزبه‌روز در حال کاستی هستند. گذشته از این دانشجویان مشارکت‌کننده در تحقیق صحبت از رفتارهایی مثل جرگه‌گرایی و باندبازی و کشاکش‌های شخصی و حسادت و مانند آن در طیفی از استادان می‌کنند.

۶. در مقایسه با سازمان‌های پرزرق‌وبرق و با امکانات مدرن فراوان که سال‌هاست در ایران توسط نهادهای مختلف دولتی و شبه‌دولتی اینجاوآنجا به وجود می‌آید دانشگاه‌ها به سازمان‌های فقیر و مکان تهیدستان بدل شده‌اند که مشارکت‌کنندگان در تحقیق به شکل تحقیرآمیزی از آن سخن می‌گویند: در کتابخانه‌اش فضا و صندلی کافی برای نشستن نیست،

کتاب انگلیسی نیست، اینترنتش مرتب قطع و وصل می‌شود، در آزمایشگاهش وسایل چندانی نیست و....

۷. هنوز یک تیپ ایده آلی از دانشگاه در چشم و دل دانشجویان ایرانی وجود دارد و آن دانشگاهی با استقلال آکادمیک است که رئیسش را خود استادان دانشگاه انتخاب می‌کنند. دانشگاه با سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی دیگر تفاوت ماهوی دارد و شایسته نیست جزوی از ابواب جمعی بوروکراسی دولت به حساب بیاید. مشارکت‌کنندگان در تحقیق از این جهت نیز احساس می‌کنند دانشگاهی که در آن تحصیل می‌کنند از چنین شأن و استقلالی برخوردار نیست و مطمئناً این امر در رفتار تحصیلی آن‌ها تأثیر نامطلوب می‌گذارد.

۸. اگر بگوییم که ایرانیان به تبعیض بیش از بسیاری از جوامع دیگر حساس‌اند، به بیراهه نرفته‌ایم. حس فاصله قدرت برای ایرانی خصوصاً جوانان ایرانی و بالأخص دانشجویان ایرانی آزاردهنده است. آستانه تحمل در ایران نسبت به تبعیض پایین است. شاید در قبال نداشتن صبر کنند ولی نابرابری و تبعیض به رگ حساسیت آن‌ها می‌زند. اگر تبعیض و بی عدالتی از نظر ایرانی‌ها تا این حد به چشم زننده و زجر دهنده است پس وای به‌روزی که دانشجو آن را در رفتار استاد خود ببیند. استادان تا نوعی نفوذ اخلاقی و معنایی بر دانشجو نداشته باشند نمی‌توانند چنان‌که باید و شاید تأثیرات لازم در آن‌ها برجا بگذارند. آیا واقعاً استادان تبعیض قائل می‌شوند؟ معلوم نیست. اما مهم حس تبعیض است که در این مطالعه به‌وضوح در دانشجویان دیده می‌شود. قدر مسلم این است که دانشگاه ایرانی در مورد مطالعه شده ما از ایجاد اعتماد و رضایت تعمیم‌یافته در میان نسل جوان دانشجویی درمانده است.

۹. همین‌طور تحقیقاتی نشان داده است که ایرانی‌ها نوعاً مردمانی عاطفی هستند. در زبان آن‌ها گزاره‌های عاطفی و گرانبار از احساس و هیجان فراوانی دارد (مؤید حکمت، ۱۳۹۰: ۷۱-۸۴). رفاقتی‌اند و انتظار دارند رفقایانشان هوای آن‌ها را داشته باشد. روابط گرم و غیررسمی برای آن‌ها مهم‌تر از روابط سرد است، چه‌بسا رفتاری هرچند هم قانونی باشد به سبب سرد بودن و خشک بودن و بی ملاحظه جنبه‌های عاطفی می‌تواند آن‌ها را برنجانند (فراستخواه، ۱۳۹۴). به همین جهت است که مقررات خشک حداکثری و روال‌های بوروکراتیک دانشگاه در ادراک زیسته دانشجویان بازتاب بسیار ناراحت‌کننده داشته است.

۱۰. دروس عمومی و اختیاری و آزاد در همه دانشگاه‌های دنیا از جمله‌ی سازوکارهای خوب و مؤثر پرورش انواع شایستگی‌های کانونی و غیرتخصصی مثل تفکر انتقادی، فهم فرهنگی، ارتباطات مؤثر انسانی، توسعه مهارت‌های کیفیت زندگی، حل مسئله، قدرت برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی فعالیت‌ها، سواد فناوری اطلاعات و ارتباطات و سایر سوادهای لازم برای ظهور و پرورش تنوعات هوش‌های چندگانه انسانی و خلاقیت‌های جوانی، آگاهی‌های تاریخی و اجتماعی، توسعه آشنایی با زبان و ادبیات ملی و یا زبانهای مهم بین‌المللی و مانند آن است. اما متأسفانه در دانشگاه‌های ایران بر اثر دخالت ایدئولوژی دولت در این برنامه‌ها، ضعف نیازسنجی، ضعف برنامه‌ریزی یا نحوه اجرا به نقض غرض و نتیجه معکوس انجامیده است. مشارکت‌کنندگان در تحقیق از بیشتر این درس‌ها زده شده‌اند. پدیده بیگانگی دانشجو با برنامه‌های درسی دانشگاه می‌تواند اثربخشی تحصیلات دانشگاهی را در ایران مخدوش بکند.

پرسشنامه محقق ساخته‌ای بر مبنای این مطالعه کیفی واکتشافی به شرح زیر ساخته شد که می‌تواند در تحقیقات دانشگاهی برای پیمایش‌های دانشجویی به کار برود:

دانشجوی عزیز:

با سلام و آرزوی موفقیت، پرسشنامه حاضر به منظور "بررسی دیدگاه و تجربه دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه" تقدیم می‌شود. در صورت تمایل می‌توانید با ذکر ایمیل خود در انتهای پرسشنامه از نتایج و یافته‌های این تحقیق مطلع شوید. همچنین، می‌توانید در انتهای پرسشنامه نظرها و پیشنهادهای خود را برای مجری طرح ارسال نمایید. پیشاپیش از همکاری شما سپاسگزاریم.

با آرزوی موفقیت

۱. مشخصات فردی و وضعیت تحصیلی:

۱. جنسیت: (۱) مرد (۲) زن ☐
۲. سن:..... ساله
۳. وضعیت تأهل: (۱) مجرد (۲) متأهل (۳) سایر ☐
۴. وضعیت اشتغال: (۱) شاغل (۲) بیکار ☐
۵. دانشکده محل تحصیل؟.....
۶. رشته تحصیلی:.....
۷. دوره یا مقطع تحصیلی: (۱) کارشناسی (۲) کارشناسی ارشد (۳) دکتری ☐
۸. ترم تحصیلی؟.....
۹. معدل کل ترم قبل؟.....
۱۰. وضعیت تابعیت کشوری:
▪ ۱، ۱۰، ۱.. (۱) ایرانی (۲) خارجی (۳) از کدام کشور.....
▪ ۲، ۱۰، ۱.. محل سکونت خانواده: تهران (سایر شهرها ((لطفاً اسم شهرستان را بنویسید).....
▪ ۳، ۱۰، ۱.. ساکن در خوابگاه دانشگاه هستید: (بلی) خیر
۱۱. آیا تجربه تحصیل در دانشگاه‌های دیگر قبل از این دانشگاه را دارید؟ (بلی: (اسم دانشگاه:.....)) خیر
۱۲. در زمان تکمیل پرسشنامه چند مدت است در این دانشگاه مشغول به تحصیل هستید؟.....

تحصیل :

۱. گویه‌های زیر درباره‌ی کیفیت دانشگاه محل تحصیل شما و امکانات آن است، هریک از جملات تا چه حدی بازگوکننده دیدگاه‌های شماست؟

ردیف	گویه‌ها	موافق	تا حدی موافقم	میان موافقت و مخالفت مردد هستم	تا حدی مخالفم	مخالفم
۱	این دانشگاه از استقلال کامل برخوردار است و تصمیمات آن در خود دانشگاه گرفته می‌شود نه در بیرون دانشگاه.					
۲	دوست دارم که رئیس دانشگاهم توسط خود استادان دانشگاه انتخاب بشود.					
۳	رئیس دانشکده ما و معاونانش بر مبنای صلاحیت تخصصی انتخاب و منصوب می‌شود.					
۴	در این دانشگاه آزادی آکادمیک در بیان مطالب درسی در کلاس و در گزارش نتایج تحقیق برای دانشگاہیان وجود دارد.					
۵	کتابخانه‌ی دانشگاه منابع و کتاب‌ها و مجلات کافی به زبان فارسی و خارجی برای مطالعه استاد و دانشجو رادار است.					
۶	آرشیو پایان‌نامه‌ها و مدارک علمی در این دانشگاه بسیار منظم و کارآمد و در دسترس است					
۷	در شش ماه گذشته سرعت اینترنت در این دانشگاه و مقدار حجم آن برای					

					تحقیقات کافی است و قطع وصل به شکلی که مانع از کار بشود ندارد.	
					در رشته ما آزمایشگاه‌های دانشگاه ما از امکانات و وسایل و تجهیزات بروز و کافی برخوردار است.	۸
					اعضای هیئت‌علمی رشته ما افرادی برخوردار از دانش و تخصص کافی و روزآمد هستند.	۹
					تعداد اعضای هیئت‌علمی در درس مربوط به رشته ما کافی است هرکدام در حوزه‌ی تخصصی خود تدریس می‌کنند و کمبودی از نظر گذراندن به‌موقع درس یا پایان‌نامه‌هایمان با آن‌ها نداریم.	۱۰
					استادان ما غالب اوقات در دانشکده حضور دارند و در دسترس ما هستند.	۱۱
					اعضای هیئت‌علمی شخصیتی دوست‌داشتنی دارند و از رفتار و منش آن‌ها مثل دانش‌شان بسیار می‌آموزیم.	۱۲
					دانشگاه ما از محیط جذاب، معماری و نمادهای دانشگاهی جالبی برخوردار است.	۱۳
					محیط خوابگاهی ما مناسب است.	۱۴
					سطح علمی رشته تحصیلی ما در مقایسه با سایر دانشگاه‌های ایران بالاست.	۱۵
					اعتبار دانشگاه ما در رشته‌ای که من درس می‌خوانم در حدی است که به‌راحتی	۱۶

					می‌توان برای ادامه تحصیل، جذب دانشگاه‌های معتبر جهان شد.
--	--	--	--	--	--

❖ اگر توضیحی بیشتر درباره هریک از موارد فوق لازم می‌بینید لطفاً در اینجا بیان کنید:

۲. گویه‌های زیر درباره‌ی کیفیت فرایندها و فعالیت‌های دانشگاه محل تحصیل شماست، هریک از جملات تا چه حدی بازگوکننده دیدگاه‌های شماست؟

ردیف	گویه‌ها	موافقت	تا حدی موافقت	میان موافقت و مخالفت	تا حدی مخالفت	مخالفت
۱	مدیریت در این دانشگاه بر مبنای اصول حرفه‌ای و تخصصی و به صورت مستقل عمل می‌کند و از مداخلات گروه‌های فشار و ذی نفوذ تأثیر نمی‌پذیرد.					
۲	مدیریت دانشگاه با مشارکت اعضای هیئت علمی و کارکنان و با تعاملات لازم، این دانشگاه را به خوبی اداره می‌کند.					
۳	مدیران این دانشگاه با تفکر برنامه‌ریزی استراتژیک و آینده‌نگر خود، دانشگاه را با موفقیت پیش می‌برند.					
۴	مدیران دانشکده ما و دانشگاه به سبب ارتباط مثبت با دانشجویان و در دسترس دانشجویان بودن می‌کوشند جوابگوی مسائل ضروری آن‌ها باشند.					
۵	مدیران دانشکده و دانشگاه ضمن اینکه از فعالیت خود به طور شفاف گزارش می‌دهند، از انتقادات دانشجویان نیز استقبال می‌کنند و به آن‌ها ترتیب اثر هم					

					می‌دهند.	
					در این دانشگاه پیچ‌وخم‌های اداری زائد خسته‌کننده وجود ندارد و امور دانشجویی و آموزشی مطابق قوانین عادلانه و به‌صورت سهل و روان قابل پیگیری است.	۶
					در میان اعضای هیئت علمی دانشکده ما باندبازی و جرگه‌گرایی و کشاکش‌های مخرب مشاهده نمی‌شود.	۷
					اعضای هیئت علمی دانشکده ما با همدیگر تعاملات و همکاری مثبت و سازنده دارند.	۸
					در گروه آموزشی مربوط به دوره تحصیلی من جو سالم و صمیمانه‌ای بین استادان وجود دارد.	۹
					به نظرم اعضای هیئت علمی دانشکده ما از هنجارها و اخلاقیات حرفه‌ای آکادمیک به‌خوبی تبعیت می‌کنند.	۱۰
					من رشته تحصیلی خود را دوست دارم و آن را به‌صورت هدفمند انتخاب کرده‌ام.	۱۱
					کارها در گروه آموزشی مربوط به رشته تحصیلی من بر مبنای ضوابط وهنجارهای علمی و آکادمیک و بدور از هر نوع جانب‌داری جریان پیدا می‌کنند.	۱۲

۱۳	کارهای مربوط به پایان‌نامه‌ها در گروه مطابق اصول و ضوابط علمی انجام می‌گیرد.				
۱۴	در رشته ما کار داوری پایان‌نامه‌ها و جلسات دفاع همه بر مبنای نظم مطلوب آکادمیک و هنجارهای دقیق علمی و بدور از هر ملاحظات و جانب‌داری‌های له یا علیه انجام می‌پذیرد.				
۱۵	آنچه من در این دانشگاه دیده‌ام و آموخته‌ام این است که کارهای علمی همه به‌دوراز حب و بغض و جانب‌داری‌های سیاسی و مذهبی و طبق اصول و روش‌های علمی انجام می‌گیرد.				
۱۶	برنامه‌های درسی و واحدهای درسی پایه و تخصصی ما بر مبنای تحولات بروز علمی و نیازهای واقعی جامعه و مشاغل موجود در بازار کار تنظیم شده‌اند و گذراندن آن‌ها می‌تواند مفید و برای آینده ما به‌دردبخور باشد.				
۱۷	دروس عمومی برای ما مفید و لذت‌بخش هستند و با گذراندن آن‌ها می‌توانیم دانش و مهارت‌های خوبی به دست بیاوریم.				
۱۸	در دانشکده و دانشگاه ما درس‌ها و دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی اختیاری و آزاد برای موارد موردنیاز ما ارائه و برگزار می‌شود.				
۱۹	در میان دانشجویان این دانشگاه علاوه بر فعالیت‌های معمول درسی،				

					جنب‌وجوش فرهنگی و اجتماعی نیز به چشم می‌خورد.	
					در دانشگاه ما نهادهای داوطلبانه‌ی دانشجویی در قالب انجمن‌های متنوع و با آزادی، فعالیت‌های فوق‌برنامه و فرهنگی و اجتماعی ترتیب می‌دهند و علاقه‌مندان در آن شرکت می‌کنند.	۲۰
					دانشگاه ما فضایی تک‌بعدی فقط برای درس خواندن نیست بلکه در میان دانشجویان علاقه‌مند علاوه فعالیت تحصیلی، شورونشاط نقد و روشنگری اجتماعی و آرمانخواهی وجود دارد.	۲۱
					آزادی ابراز انواع دیدگاه‌های سیاسی برای دانشجویان وجود دارد.	۲۲
					استادان گروه آموزشی ما در رفتار با دانشجویان و کمک به آن‌ها و ارزشیابی درسی و نمره دادن، تبعیضی قائل نمی‌شوند.	۲۳
					فرصت‌های مختلف درسی و پژوهشی و پایان‌نامه‌ای برای همه دانشجویان دانشکده ما مطابق قوانین به‌صورت عادلانه و برابر فراهم است.	۲۴
					دانشگاه و دانشکده ما با برخی دانشگاه‌های دنیا در سطح بین‌المللی همکاری‌ها و مبادلاتی مثل رفت‌وآمد و سخنرانی استادان و کارگاه‌ها و دوره‌های مشترک دارند	۲۵

۲۶	برخی استادان معتبر خارجی در دانشکده و دانشگاه ما دوره‌های آموزشی و کارگاه ارائه می‌کنند.				
۲۷	امکان سفر مطالعاتی به دانشگاه‌های خارجی برای ما دانشجویان مطابق ضوابط وجود دارد.				
۲۸	تا آنجا که من می‌بینم مدیریت دانشکده و دانشگاه ما درباره‌ی عملکرد و کیفیت فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی و خدماتی، بررسی‌های منظم و ارزیابی به عمل می‌آورد.				
۲۹	نظرخواهی‌هایی به‌طور منظم از ما دانشجویان و نیز از دانش‌آموختگان درباره‌ی وضعیت فعالیت‌های دانشگاه به عمل می‌آید و به نتایج آن ترتیب اثر داده می‌شود.				

❖ اگر توضیحی بیشتر درباره هریک از موارد فوق لازم می‌بینید لطفاً در اینجا بیان کنید:

۳. گویه‌های زیر درباره کیفیت دانشگاه محل تحصیل شما و نتایج و دستاوردهای آن است، هریک از جملات تا چه حدی بازگوکننده دیدگاه‌های شماست؟

ردیف	گویه	میان موافقت و مخالفت مردم هستم	تا حدی موافقم	مخالقم
۱	بیشتر کلاس‌های درسی ما با بحث و مشارکت دانشجویان و حل مسئله و گفتگو همراه است فقط با سخنرانی استاد			

					برگزار نمی‌شود.	
					بیشتر کلاس‌های درسی ما به صورتی اجرا می‌شوند که به خلاقیت و تفکر ما دامن می‌زند و برای ما مهارت‌های دانشی به وجود می‌آورد.	۲
					تدریس بیشتر استادان ما در سطح بالایی علم روز و به صورتی نافذ و اثربخش است و به درد آینده‌ی شغلی ما می‌خورد.	۳
					من از زندگی دانشجویی خود در این دانشگاه واقعاً لذت می‌برم. شور و شوقی درونزا با دوستانم در فضای دانشگاه داریم.	۴
					در دانشکده ما جنب‌وجوش علمی و فوق‌برنامه دانشجویی شاد و متنوع و لذت‌بخشی از متن ابتکارات خود دانشجویان برمی‌خیزد.	۵
					امور رفاهی دانشجو در این دانشگاه چه در غذاخوری دانشگاه و چه در خوابگاه رضایت‌بخش است.	۶
					حمایت‌های خوبی از سلامت و ورزش دانشجویان وجود دارد سالن‌ها و میدان‌های ورزشی و سایر امکانات دلگرم‌کننده است.	۷
					تا آنجا که من می‌بینم دانشجویان در این دانشگاه با هر فکر و عقیده می‌توانند در فوق‌برنامه‌ها شرکت و ابراز وجود و ابراز هویت بکنند.	۸

۹	تا آنجا که من می‌بینم هر دانشجویی در این دانشگاه می‌تواند سبک زندگی خود را داشته باشد و محدودیت‌های بی‌موردی وجود ندارد.				
۱۰	ما کتاب‌ها و مقالات زیادی از استادان دانشکده خودمان می‌بینیم که به زبان فارسی در حوزه‌ی تخصصی خود توسط ناشران معتبر و نشریات علمی پژوهشی کشور به چاپ رسیده است و محل مراجعه‌ی دانشجویان و دانشگاهیان در سراسر کشور است.				
۱۱	تا آنجا که من دیده‌ام استادان دانشکده ما مقالات علمی زیادی به زبان انگلیسی در نشریات معتبر بین‌المللی منتشر کرده‌اند.				
۱۲	استادان ما علاوه بر تدریس، تحقیقات مهمی نیز در دانشکده و دانشگاه انجام می‌دهند.				
۱۳	استادان ما دانشجویانشان را در تحقیقات خود شرکت می‌دهند و از این طریق توانایی‌های پژوهشی ما رشد و توسعه می‌کند.				
۱۴	بیشتر استادان ما در حوزه‌ی تخصصی خود یک صاحب‌نظر شناخته‌شده‌اند و به آرا و نظریات و آثار آن‌ها استناد می‌شود.				
۱۵	تا آنجا که من می‌دانم و شنیده یا خوانده‌ام، دانشکده ما با صنعت و با برخی سازمان‌های مرتبط بیرون دانشگاه، روابط و همکاری‌های خوبی دارد.				

					۱۶	ما به سبب کارآموزی و سایر فرصت‌هایی که دانشگاه فراهم می‌کند با سازمان‌ها و نهادهای مختلف مربوط به رشته‌مان از نزدیک آشنا می‌شویم.
					۱۷	در حدی که مربوط به رشته من می‌شود به نظرم، آثار علمی استادان ما در حدی هستند که به درد جامعه بخورند و در مسیر تأمین نیازهای واقعی توسعه کشور باشند.
					۱۸	اصولاً دانشگاه ما تا جایی که من در زمینه رشته خودم اطلاع دارم با جامعه و جهان کسب‌وکار ارتباطات مداوم دارد و محل رفت‌وآمد و همکاری‌های خوبی است.
					۱۹	من شنیدم که اختراعات و محصولات و فناوری‌هایی زیر نظر استادان دانشکده ما تولید و ثبت‌شده است.
					۲۰	من احساس می‌کنم با درس خواندن در این دانشگاه آینده‌ی شغلی خوبی مرتبط با رشته تحصیلی‌ام خواهم داشت.
					۲۱	تا جایی که من می‌دانم فارغ‌التحصیلان این دانشگاه در رشته ما به‌گونه‌ای توانمند می‌شوند که می‌توانند جایی برای کار و فعالیت در رشته خود پیدا بکنند و آتی‌هی خوبی داشته باشند.
					۲۲	تا آنجا که اطلاع دارم فارغ‌التحصیلان این دانشگاه در رشته ما معمولاً شانس خوبی برای قبولی در مقطع بالاتر در

					دانشگاه‌های معتبر دارند.	
					من افراد زیادی را سراغ دارم که فارغ‌التحصیل این دانشگاه‌اند و الان هرکدام برای خود کسی هستند و درجاهای مختلف پیشرفت‌های خوبی دارند.	۲۳
					آدم از درس خواندن در این دانشگاه هم معلومات عمومی خوب و مهارت‌های زندگی و هم اطلاعات و دانش تخصصی لازم را به دست می‌آورد و این‌ها واقعاً به درد ما خواهد خورد.	۲۴
					بیشتر کسانی که از اینجا فارغ‌التحصیل می‌شوند معمولاً افرادی خلاق و کارآفرین هستند و در جامعه به موفقیت‌های خوبی نائل آمدند.	۲۵

❖ اگر توضیحی بیشتر درباره هریک از موارد فوق لازم می‌بینید لطفاً در اینجا بیان کنید:

❖ اگر علاقه‌مند به دریافت خلاصه‌ای از نتایج تحقیق حاضر هستید لطفاً در صورت تمایل نشانی ایمیلی برای ارسال آن در اینجا درج کنید:

.....

با تشکر از فرصتی که در اختیار این پژوهش قرار دادید.

منابع

- برگر، پ. و لوگمان، ت. (ترجمه ۱۳۷۵). ساخت اجتماعی واقعیت. فریبرز مجیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- بیرن باوم، رابرت (ترجمه ۱۳۸۲). دانشگاه‌ها چگونه کار می‌کنند، سازمان علمی و رهبری آن از منظر سیبرنتیک. ترجمه حمید رضا آراسته. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.
- دارتیک، آندره (ترجمه ۱۳۷۳). پدیدارشناسی چیست؟ محمود نوالی، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- سروش، مصطفی (۱۳۹۳) عوامل مؤثر بر تقاضای اجتماعی دانشجویان (مطالعه موردی دانشگاه فردوسی مشهد). پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، زیر نظر دکتر محبوبه عارفی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی.
- شمس، غلامرضا و معارف وند، زهرا (۱۳۹۳) کیفیت زندگی تحصیلی دانشجویان خارجی (مورد مطالعه: دانشگاه شهید بهشتی). همایش توسعه آموزش عالی فرامرزی: فرصت‌ها و چالش‌ها. انجمن آموزش عالی ایران. ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۳.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۷). سرگذشت و سوانح دانشگاه در ایران. تهران: انتشارات آگاه
- فراستخواه، مقصود (۱۳۹۲). نگاهی به هشت دوره‌ی زندگی دانشجویی در ایران. اندیشه پویا شماره ۱۰ پاییز ۹۲.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۹۴). ما ایرانیان، زمینه کاوی تاریخی و اجتماعی خلیفات ایرانی. تهران: نی.
- محمدی، امیر (۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان تولید و مصرف نوشتار در بین دانشجویان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، علوم اجتماعی، دانشگاه خوارزمی.
- ناهید مؤید حکمت (۱۳۹۰). تحلیلی بر ساختار زبانی غالب در گزیده‌ای از مثل‌ها و تعبیرهای کنایی فارسی. زیبا شناخت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال دوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ۷۱-۸۴.
- هابرماس، یورگن (ترجمه ۱۳۸۴). نظریه کنش ارتباطی، ترجمه کمال پولادی، تهران، موسسه انتشاراتی روزنامه ایران، ۱۳۸۴.
- هوسرل، ادموند (ترجمه ۱۳۷۲). ایده پدیده‌شناسی. عبدالکریم رشیدیان، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- یمنی دوزی سرخابی، محمد (۱۳۸۰) درآمدی به بررسی عملکرد سیستم‌های دانشگاهی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

- Annamalai .Subashini and Muniandy .Balakrishnan. (2013). Reading Habit and Attitude among Malaysian Polytechnic Students. *International Online Journal of Educational Sciences*. 32-41.
- Arpan,L.M., Raney,A.A., & Zivnуска, S. (2003). A cognitive approach to understanding university image. *Corporate Communication: An International Journal*. 8(2), 97-113.
- Aspers,Patrik (۲۰۰۹)empirical Phenomenology: A Qualitative Research Approach,*Indo-PacificJournal Of Phenomenology*, Volume9,Edition, October,p 1-12.
- Furberg, Elin (2011)How do students' perceptions of their education change over time? Sweden: Umeå University, Umeå School of Business.
- Langdridge, Darren(2007)*Phenomenological Psychology; Theory, Research and Method*. UK: Pearson Education Limited,The Open University.
- Lizzio, A.;Wilson K. & Simons R. (2002). University Students' Perceptions of the Learning Environment and Academic Outcomes: implications for theory and practice. *Studies in Higher Education* Volume 27, No. 1, 2002, 27-52.
- Morey, A.I. (1971). Image and selection; An examination of the images of three university of California campuses. paper presented at the meeting of the California education research association, an Diago, Calif, April,29-30.
- Ramsden,Paul (2004) *learning to teach in higher education*. New York: Routledge, 2nd Edition. First published 2003.
- Streubert H,J and Carpenter D,R(۲۰۱۱) *Qualitative Research in Nursing (Advancing the Humanistic Imperative)*. 5d edit, Philadelphia: Lippincott Williams&Wilkins.
- Struyven, K.; Dochy, F. and Janssens, S. (2005). Students' perceptions about evaluation and assessment in higher education: a review. *Assessment & Evaluation in Higher Education* Vol. 30, No. 4, August 2005, pp. 331–347.
- Xu, Hongjiang(2011). Students' perceptions of university education – USA vs. China. *Research in Higher Education Journal*, V10,1-10.